



امام جمعه تبریز:

کتابخوانی کلید قدرت معنوی و مادی انسان است

در صفحه ۴

یکشنبه ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۴۳ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۲ گزارش

پیش نویس قطعنامه‌ی ضد ایرانی اروپا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛

انرژی هسته‌ای، حق مسلم ایران در عصر گذار جهانی از نفت

طرح نو؛ سردبیر

المیادین به نسخه‌ای از پیش‌نویس قطعنامه‌ی ضد ایرانی سه کشور اروپایی دست یافته است که «تروئیکای» اروپایی آن را در جلسه آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از ۱۹ تا ۲۱ نوامبر برگزار می‌شود، ارائه خواهد کرد. این پیش‌نویس ضد ایرانی بدون در نظر گرفتن حق غنی سازی ایران، صرفاً مبتنی بر گزارش دروغ رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنظیم و «نتیجه می‌گیرد که برای آژانس مهم است که بتواند در اسرع وقت ذخایر مواد هسته‌ای اعلام‌شده قبلی ایران را تأیید کند تا نگرانی‌های خود را برطرف کند و از رعایت توافقنامه پادمان‌های معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در مورد انحرافی احتمالی مواد هسته‌ای اعلام‌شده از کاربرد صلح‌آمیز اطمینان حاصل کند.»

در آستانه یک تقابل راهبردی

پیش‌نویس جدید «تروئیکای اروپایی» علیه برنامه هسته‌ای ایران نه یک اتفاق مقطعی، بلکه بخشی از سیاست بلندمدت مهار علمی و تکنولوژیک ایران است. کشورهای اروپایی، که خود در دهه‌های اخیر از رشد نفوذ تهران در مسائل منطقه‌ای و جهانی نگران شده‌اند، اکنون می‌کوشند از مسیر آژانس انرژی اتمی و گزارش‌های هدفمند، ادبیات امنیتی تازه‌ای علیه ایران شکل دهند؛ ادبیاتی که با واژگان به ظاهر فنی، اما با مفاهیم سیاسی آمیخته است. اروپا در واقع در این مرحله می‌خواهد برنامه هسته‌ای ایران را از محور فنی به محور سیاسی و امنیتی تغییر دهد؛ اقدامی که در نهایت زمینه‌ساز ...

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

۲ سرمقاله

بازار تبریز؛ کالبد تاریخ، نبض استراتژیک اقتصاد ایران

طرح نو؛ سردبیر

تاریخ تمدن و تجارت در فلات ایران، با ردپایی از سازه‌های آجری و سقف‌های ضربی گره خورده است که هر کدام حکایتی از پایداری و مبادلات دارند. اما در میان این بناهای عظیم، بازار تاریخی تبریز جایگاهی منحصر به فرد دارد؛ نه صرفاً به خاطر معماری باشکوهش که بیش از هر چیز به سبب نقش محوری‌اش در حیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران در گذر قرن‌ها. سخن از بازار تبریز گفتن، فراتر از شرح یک شاهکار میراث جهانی است؛ سخن از سرچشمه هویت اقتصادی ملتی است که همواره نیازمند ارتباط با جهان بوده است. تبریز، در واقع، شهری است که در بستر این بازار عظیم متولد شد، رشد کرد و به جایگاه یک مرکز نقل در جهان اسلام دست یافت. این بازار، نه فقط محلی برای توزیع کالا، بلکه مدرسه‌ی تجارت و بنیان نهادهای مدنی بود؛ جایی که نهادهایی چون مسجد و حمام، در دل ساختار تجاری جای گرفتند و نظم اجتماعی را شکل دادند. در دوران شکوه خود، بازار تبریز محور اصلی شبکه‌های تجاری بین‌المللی

۲ گزارش

نگاهی اقتصادی به بسته‌ی پاداش تریلیون دلاری ایلان ماسک؛

پاداشی که شکاف طبقاتی در عصر جدید را نشان می‌دهد

۳ ورزش

۹ خرید تابستانی تراکتور زیر ذره‌بین؛

قبولی خارجی‌ها، مردودی داخلی‌ها؟

ذکر ایام هفته؛ سلوک آرامش در زمان

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

زمان، در نگاه عرفانی، صرف گردش شب و روز نیست؛ جریان تربیت روح است. انسان هر صبح در آغاز خلقت خویش دوباره متولد می‌شود و هر شب، به امانت الهی بازمی‌گردد. در این رفت‌وبرگشت نور و تاریکی، «ذکر» نقشی همانند نبض زندگی دارد؛ ذکر، نگه‌دارنده‌ی پیوند دل با معناست؛ رشته‌ای نامرئی میان تکرار و تجربه، میان صوت و حضور؛ هرگاه این رشته گسسته شود، جان از محور آرامش جدا می‌افتد و واژه‌ها به عادت بدل می‌شوند. سنت اسلامی، برای هر روز هفته ذکری خاص از اسماء الهی را توصیه کرده است؛ گویی هر روز دریچه‌ای متفاوت از معرفت خداوند را می‌گشاید و انسان را با یکی از ابعاد ربوبیت، کرامت، رحمت یا حقیقت او مواجه می‌سازد. این ذکرها، اگر با حضور قلب و فهم معنا تکرار شوند، از سطح لفظ به مرحله‌ی روشنایی درون می‌رسند؛ جایی که روز، دیگر تکرار وقت نیست، بلکه تجدد حیات است.

شنبه – یا ربّ العالمین

آغاز هفته، با یاد تدبیر و ربوبیت مطلق است. «ربّ العالمین» یعنی آن‌که ذره‌ای از حیات بدون اراده‌ی او رخ نمی‌دهد. وقتی انسان این نام را بر زبان می‌آورد، اضطراب مدیریت زندگی از دلش زوده می‌شود و جای آن را اعتماد و قرار می‌گیرد. این ذکر، تمرین سیردن آغاز هفته به دست پروردگار و نوعی بازگرداندن اختیار به آرامش است.

یکشنبه – یا ذوالجلال و الإکرام

در این روز، روح به یاد عظمت و کرامت الهی می‌افتد. «جلال» نماد شکوه مطلق، و «اکرام» بیان لطف مطلق است. تکرار این نام، انسانی را که در میان داوروی‌ها و نگاه‌های اجتماعی فرسوده شده است، به عزت حقیقی بازمی‌گرداند. هر بار گفتن این ذکر، احیای شان درونی و تمرینی برای ایستادن با وقار و نرمی، بی‌نیاز از تحسین بیرونی است.

دوشنبه – یا قاضی الحاجات

روز امید و درخواست است. دوشنبه مجرای دعاست؛ لحظه‌ای که انسان می‌آموزد حاجت را نه از عالم، بلکه از سرچشمه‌ی قدرت بخواهد. «یا قاضی الحاجات» یادآور مهربانی عدالت است؛ آن عدالتی که نه از سر قانون، بلکه از سر عشق دآوری می‌کند. تکرار این نام، روح را از یأس انباشته نجات می‌دهد و به یاد می‌آورد که هیچ خواسته‌ای گم نمی‌شود، اگر با حضور قلب خواسته شود.

سه‌شنبه – یا ارحم الراحمین

روز رهایی و نرم‌خویی است. انسان، در میان نبردهای

روزمره، به مهر بازمی‌گردد. «اَرحم الراحمین» فقط بخشنده‌ترین معنا نیست؛ رمز یازآشتی انسان با خویش است. کسی که این نام را تکرار می‌کند، یاد می‌گیرد به خطای خویش رحم کند و به خطای دیگری هم، با رحمت بنگرد. در این روز، ذکر، تبدیل به آینه‌ای می‌شود که در آن، نگاه خدا را در مهربانی می‌بیند.

چهارشنبه – یا حیّ یا قیوم

روز اتصال ناب است؛ روزی برای نزدیک شدن بی‌واسطه به ذات هستی. «حیّ» یعنی زنده‌ی مطلق؛ «قیوم» یعنی قائم بر همه‌چیز؛ این دو نام، ستون ایمان‌اند. تکرارشان، روح را در مرکز ثبات می‌نشاند و از پراکندگی‌های زمانه بازمی‌گیرد. چهارشنبه روز تمرکز است؛ روز بازگشت به حضور، هنگامی که زندگی در حاشیه‌ی کارها و دغدغه‌ها پراکنده شده است.

پنجشنبه – لا اله الا الله الملك الحق المبین

هر بار گفتن این ذکر، احیای شان درونی و تمرینی برای ایستادن با وقار و نرمی، بی‌نیاز از تحسین بیرونی است. این ذکر، بیانی‌ست از آزادی انسان در برابر سلطه‌ی خدایان دروغین قدرت، مال و شهرت است. وقتی انسان این ذکر را می‌گوید، از بند وابستگی رها می‌شود و اراده‌اش به سمت وضوح حقیقت جاری می‌گردد. پنجشنبه، روز تداوم است؛ روزی برای تصمیم‌گرفتن بی‌واسطه با خداوند واحد است.

جمعه – اللهم صلّ علی محمد و آل محمد

روز نور و گشایش است؛ لحظه‌ی به‌هم‌رسیدن زمین و آسمان، روزی که جمعه از جنس درک است، نه صرفاً عبادت است. در این روز، صلوات پلی‌ست میان انسان و رحمت الهی تجسدیافته در پیامبر است. تکرار این ذکر، نه تنها تجدید عهد با رسالت است، بلکه تمرین «حضور در مسیر هدایت» است؛ راهی برای شستن غبار هفته و آمادگی برای آغاز هفته‌ی تازه است.

«ذکر ایام هفته» برنامه‌ای برای تکرار واژه‌ها نیست، بلکه به حضور روزانه در پیشگاه معنا دعوت می‌کند. هر صبح آگاهانه، و هر شب آرام، می‌تواند بازآفرینی ایمان باشد. کسی که روز خود را با یاد الهی آغاز کند، شب خود را با آرامش به پایان می‌برد؛ زیرا ذکر، زمان بیرونی را به زمان درونی بدل می‌کند.

این سلوک هفت‌روزه، انسان را از گسست روزمرگی رها می‌سازد و به جریان پیوسته یاد خدا پیوند می‌دهد؛ جایی که هر روز جهانی تازه از معنا زاده می‌شود و دل در مسیر آرامش می‌ماند.

وزیر جهاد کشاورزی:

عصر «نمی‌توانیم» گذشته است

طرح نو؛ گروه گزارش

وزیر جهاد کشاورزی گفت: امروز با وجود چالش‌های کم‌آبی، گرمایش و محدودیت منابع، علم و فناوری ظرفیت اصلی کشور برای عبور از مشکلات است و عصر «نمی‌توانیم» گذشته است. غلامرضا نوری قزلبچه در آیین گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز، اظهار کرد: در دولت چهاردهم ارتباط با دانشگاه وارد مرحله‌ای جدید شده است، زیرا امروز بیش از هر زمان دیگری به ظرفیت علمی دانشکده‌های کشاورزی نیاز داریم و در همین راستا، دفتری برای تقویت ارتباط میان وزارت جهاد کشاورزی و دانشگاه تبریز راه‌اندازی شده است. وی افزود: کارهای ما باید کارشناسی و تصمیمات بر پایه اصول صحیح و علمی باشد و این امر جز با تعامل عمیق‌تر میان دانشگاه و بخش اجرایی امکان‌پذیر نیست.

وی ادامه داد: امنیت غذایی در اسناد بالادستی به‌طور روشن مورد تأکید قرار گرفته و رهبر معظم انقلاب نیز بر ضرورت خودکفایی در این حوزه تأکید دارند. حوادث اخیر جهان و جنگ‌ها از جمله غزه نیز بار دیگر اهمیت امنیت غذایی را آشکار کرد و حتی دوستان و دشمنان نیز به این واقعیت واقف هستند.

نوری اظهار کرد: امروز با محدودیت منابع مواجه هستیم، اما ظرفیت‌های بالقوه زیادی در اختیار داریم و قوانین نیز در راستای تقویت تولید و تاب‌آوری بخش کشاورزی تنظیم شده است. وی با بیان این‌که دانشگاه می‌تواند پاسخ اصلی بسیاری از نیازها و پرسش‌های این حوزه را ارائه دهد، گفت: نسل‌های گذشته با وجود قحطی و خشکسالی، ایستادگی کردند و تمدن را حفظ کردند بنابراین در دوران فناوری نمی‌توان گفت که «نمی‌توانیم». وی افزود: امسال ما (ایران) و ترکیه سه میلیون تُن تقاضای گندم خود را از بازار جهانی افزایش دادیم که قیمت و نظام عرضه را تغییر داد، بنابراین تصور فراوانی غذا در دنیا درست نیست و

چالش‌هایی وجود دارد. وزیر جهادکشاورزی اظهار کرد: اقلیم نیز با ما سازگار نیست و با افزایش دما، کمبود آب و چالش‌های متعدد مواجه هستیم، اما علم و فناوری در اختیار ماست و باید از آن بهره‌برداری کنیم. وی با بیان این‌که دانشگاه، نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت غذایی دارد و با اتکا به ظرفیت علمی آن می‌توان بسیاری از مشکلات را برطرف کرد، گفت: نرخ پایین تشکیل سرمایه، بهره‌وری پایین، مشکلات نظام بهره‌برداری و کوچک شدن مقیاس مزارع از جمله مسائل اساسی بخش کشاورزی است که تنها با علم و دانش قابل حل است.

وزیر جهاد کشاورزی با بیان این‌که دولت چهاردهم با مثنی صداقت، شفافیت و عدالت‌خواهی دکتر پزشکیان، گفت‌وگو با مردم و جامعه را صادقانه دنبال می‌کند، افزود: از نظر سیاسی نباید وارد جدال درباره‌ی چرایی شرایط امروز خشکسالی و بحران اقلیمی شویم، زیرا این جدال‌ها راه حل ایجاد نمی‌کند و این مسائل باید به صورت علمی بررسی شود.

وی گفت: یکی از موضوعاتی که سال‌ها مغفول مانده بود، عدالت در بخش کشاورزی است که برای نخستین‌بار در کشور، وزارت جهاد کشاورزی «سند توسعه عدالت‌محور کشاورزی ایران» را تدوین می‌کند.

وی ادامه داد: در قالب این سند، نخست عدالت انتصابی بررسی می‌شود تا مشخص شود آیا انتصابات در وزارتخانه بر اساس عدالت انجام می‌گیرد یا خیر. نوری افزود: موضوع دوم عدالت توزیعی است؛ مهم‌ترین پارانه‌های کشور از طریق بخش کشاورزی توزیع می‌شود و باید بررسی کرد که این توزیع تا چه حد عادلانه است. یارانه کشاورزی امروز سخت‌ترین نوع یارانه بوده و دولت مصمم به اصلاح آن است.

وی گفت: عدالت‌های شناختی، رویه‌ای، حاکمیتی، ترمیمی،

سازمانی و بین‌نسلی از دیگر محورهای این سند است.

هفتادسالگی دانشکده کشاورزی، روایتی از پیوند علم، زمین، انسان و آینده است

محمددقی علم‌ی، رئیس دانشگاه تبریز نیز گفت: هفتادسالگی دانشکده کشاورزی تنها یک عدد نیست، بلکه روایتی از پیوند علم، زمین، انسان و آینده است.

وی افزود: دانشکده کشاورزی، بازوی اصلی دانشگاه تبریز در تحقق مأموریت تمدنی و تولید علم نافع به شمار می‌رود.

وی ادامه داد: در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند فناوری‌های تاب‌آور و امنیت غذایی است، این دانشکده یکی از ستون‌های راهبردی دانشگاه محسوب می‌شود.

علمی اظهار کرد: کشاورزی تنها تولید محصول نیست، بلکه مجموعه‌ای از فناوری، داده، اقلیم، ژنتیک، آب، اقتصاد، دیپلماسی و حکمرانی است که در هم تنیده شده‌اند.

وی تأکید کرد: همکاری دانشگاه با صنعت و دولت یک ضرورت است و دانشکده تبریز آماده است تا الگوی جدیدی از همکاری سه‌جانبه را شکل دهد.

وی گفت: دانشکده کشاورزی، ظرفیت آن را دارد که به مرکز علمی طراحی راهکارهای کاربردی برای مقابله با چالش‌های کم‌آبی، تغییر اقلیم و پایداری منابع طبیعی تبدیل شود و محلی برای شکل‌گیری استارت‌آپ‌های کشاورزی، فناوری‌های هوشمند و بازوی پژوهشی و راهبردی وزارتخانه در شمال‌غرب کشور باشد. رئیس دانشگاه تبریز افزود: نیاز امروز استان، نیروی متخصصی است که مسئله واقعی مزرعه را بشناسد و برای آن راه‌حل ارائه دهد. که در این راستا، توسعه آموزش‌های مهارتی و میدانی، ایجاد مزرعه‌های دانش‌بنیان آموزشی و تقویت همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان از اولویت‌های جدی ماست.

وی ادامه داد: مرکز نوآوری گندم کشور در دانشگاه تبریز مستقر است و یک مأموریت ملی بر عهده دارد، زیرا گندم امروز تنها یک موضوع کشاورزی نیست، بلکه مسئله تاب‌آوری ملی است. وی اظهار کرد: امروز آغاز یک فصل تازه است و دانشکده

کشاورزی میراث‌دار گذشته و معمار آینده امنیت غذایی خواهد بود.

رونمایی از طرح توسعه «دهکده فناوری‌های نوین کشاورزی» در دانشگاه تبریز

حسین نوید، رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز نیز اظهار کرد: این دانشکده، میراث ارزشمند هزاران سال تلاش انسان‌های شریفی است که دل در گرو این آب و خاک داشته و از زمان تأسیس، برای توسعه دانش کشاورزی و حل چالش‌های این حوزه کوشش کرده‌اند.

وی افزود: کشاورزی، تاریخی به قدمت زندگی بشر دارد و یکی از ضروریات توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: آب و خاک امروز حال چندان خوبی ندارند و ما به‌عنوان دست‌اندرکاران این حوزه، مدیران اجرایی، تصمیم‌سازان، دانشجویان و کارشناسان باید راهی بهتر برای تعامل با این منابع

پیدا کنیم و به دنبال روش‌هایی با بهره‌وری بالا و کمترین آسیب به محیط زیست باشیم.

نوید گفت: دانشکده کشاورزی به‌عنوان مجموعه‌ای مهم در توسعه علمی، یکی از منابع ارزشمند کشور در حوزه سرمایه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کشاورزی است که می‌تواند به مرکز توسعه فناوری‌های نوین کشاورزی تبدیل شود.

وی تأکید کرد: برای دستیابی به چشم‌اندازهای جدید و افزایش اثربخشی آموزش و پژوهش، طرح توسعه «دهکده فناوری‌های نوین کشاورزی» را در اینستگاه تحقیقاتی خلعت‌پوشان تبریز تهیه کرده‌ام که اجرای این طرح می‌تواند شمال‌غرب کشور را به قطب تولید و صادرات فناوری‌های نوین کشاورزی تبدیل کند.

در پایان این آیین از سند توسعه دانشکده کشاورزی با عنوان «دهکده فناوری‌های نوین کشاورزی خلعت پوشان» رونمایی شد.

دانشکده کشاورزی یکی از دانشکده‌های دانشگاه تبریز است که در سال ۱۳۳۴ خورشیدی تأسیس و راه‌اندازی شده‌است و پس از پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، به‌عنوان دومین دانشکده کشاورزی در سطح ایران شناخته می‌شود.

ساختمان جدید دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۴۵ خورشیدی افتتاح شد و دانشکده از ساختمان پیشین به این ساختمان انتقال یافت؛ همچنین بعدها گروه‌های آموزشی آبیاری و ماشین‌سازی کشاورزی که ساختمان‌های مستقلی داشتند، به ساختمان جدید دانشکده انتقال پیدا کردند.

از اساتید به نام و شناخته شده این دانشکده می‌توان به افرادی همچون دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر محمد مقدم واحد، دکتر ایرج رنجبیر، دکتر حمیدرضا قاسم زاده، دکتر جلیل شجاع، دکتر جواد پوراصغر، دکتر رشید صوفی سیاهش، دکتر کامبیز ناظر عدل، دکتر ناصر علی اصغر زاد، دکتر امیر حسین ناظمی، دکتر حسینی مه یکر، دکتر محمد رضا نیشابوری، دکتر علی اصغر جعفر زاده، دکتر کاظم قاسم گلعلانی، دکتر علی حسین زاده دلیر، دکتر غلامرضا نیکنام و دکتر احمد فاخری فرد اشاره کرد.

سرمقاله

بازار تبریز؛

کالبد تاریخ، نبض استراتژیک اقتصاد ایران

طرح نو؛ سردبیر

تاریخ تمدن و تجارت در فلات ایران، با ردپایی از سازه‌های آجری و سقف‌های ضربی گره خورده است که هر کدام حکایتی از پایداری و مبادلات دارند. اما در میان این بناهای عظیم، بازار تاریخی تبریز جایگاهی منحصر به فرد دارد؛ نه صرفاً به خاطر معماری باشکوهش که بیش از هر چیز به سبب نقش محوری‌اش در حیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران در گذر قرن‌ها، سخن از بازار تبریز گفتن، فراتر از شرح یک شاهکار میراث جهانی است؛ سخن از سرچشمه هویت اقتصادی ملتی است که همواره نیازمند ارتباط با جهان بوده است. تبریز، در واقع، شهری است که در بستر این بازار عظیم متولد شد، رشد کرد و به جایگاه یک مرکز ثقل در جهان اسلام دست یافت. این بازار، نه فقط محلی برای توزیع کالا، بلکه مدرسه‌ی تجارت و بنیان‌نهادهای مدنی بود؛ جایی که نهادهایی چون مسجد و حمام، در دل ساختار تجاری جای گرفتند و نظم اجتماعی را شکل دادند.

در دوران شکوه خود، بازار تبریز محور اصلی شبکه‌های تجاری بین‌المللی بود. از جاده ابریشم که از شرق آسیا می‌آمد تا مسیرهای دریایی مدیترانه، همه خطوط اصلی در این شهر به هم می‌رسیدند. بازرگانان تبریزی، نه تنها واسطه بودند، بلکه خود خاکی ارزش جدید محسوب می‌شدند؛ دانش آن‌ها از نیازهای شرق و توانایی‌های غرب، به تبریز اجازه می‌داد که به عنوان یک قطب، قیمت‌گذاری‌ها و استانداردهای تجاری منطقه را دیکته کند. دیپلمات‌ها و سیاحان اروپایی، در گزارش‌های خود، تبریز را «بانک معاملات آسیا» یا «دروازه اقتصاد ایران» می‌نامیدند. این جایگاه استراتژیک، برای قرن‌ها پشتوانه‌ای قوی برای دولت‌های مرکزی ایران، چه از نظر مالی و چه از نظر سیاسی، محسوب می‌شد. ثروتی که در نتیجه‌های مس‌گر، زرگر و سراج‌خانه انباشته می‌شد، مستقیماً بر تصمیم‌گیری‌های کلان کشور سایه می‌انداخت.

با وجود تغییر مسیرهای تجاری دریایی و زلزله‌های سیاسی که در تاریخ ایران رخ داد، و اگرچه شکوه دوران اوج خود را از دست داد، بازار تبریز هیچ‌گاه از تپش نینتاد. مقاومت این ساختار در برابر زوال، درسی بزرگ است.

آنچه امروز در شرایط تحریم‌های فلج‌کننده و نوسانات اقتصاد کلان کشور، کمتر به آن توجه می‌شود، تاب‌آوری ذاتی و زیرساخت‌های اعتماد درونی این بازار است. ساختارهای مدرن

نگاهی اقتصادی به بسته‌ی پاداش تریلیون دلاری ایلان ماسک؛

پاداشی که شکاف طبقاتی در عصر جدید را نشان می‌دهد

سیستمی که امکان انباشت چنین ارزشی در دست یک نفر را فراهم می‌کند، در تخصیص منابع جهانی کارآمد است؟

نقد پارادایم ارزش‌گذاری

منتقدان این پاداش استدلال می‌کنند که این ارقام، نه منعکس‌کننده سودآوری واقعی (به معنای سنتی تولید خودرو)، بلکه نتیجهٔ «بیهوشی رسانه‌ای» و «تأثیرگذاری فردی» بر ذهن سرمایه‌گذاران است. سهامداران تسلا در واقع برای «امید» به آینده‌ای که توسط ماسک ترسیم شده، پاداش می‌دهند، نه لزوماً برای دستاوردهای فعلی شرکت در مقایسه با رقبای سنتی.

این پدیده، نشان‌دهنده تولد یک نخبگی جدید است که ارزش خود را نه از تولید فیزیکی، بلکه از توانایی‌اش در خلق روایت‌های قدرتمند و مدیریت انتظارات به دست می‌آورد. بر ذهن سرمایه‌گذار تسلا در مقاطعی بسیار بالاتر از مجموع ارزش شرکت‌های فورد، جنرال موتورز، تویوتا و فولکس‌واگن قرار گرفته بود، در حالی که حجم تولیدات آن به مراتب کمتر بود. این یک اقتصاد مبتنی بر «پندنگری» است که در آن، مدیر عامل به یک «پیشگو» تبدیل می‌شود و پاداش او منعکس‌کننده میزان باور جامعه سرمایه‌گذاری به پیش‌بینی‌های اوست.

نگاهی به پیامدهای اجتماعی و سیاسی این بحث

این حجم از نابرابری نه تنها اقتصاد را متأثر می‌سازد، بلکه مشروعیت اجتماعی نظام سرمایه‌داری را نیز به چالش می‌کشد. زمانی که بخش عظیمی از جمعیت جهان با تورم، ناامنی شغلی و چالش‌های دسترسی به خدمات اولیه دست و پنجه نرم می‌کنند، پاداش‌های نجومی برای مدیرانی که اغلب خود را راه‌شده از مالیات‌های سنگین معرفی می‌کنند، شکاف اعتماد را عمیق‌تر می‌کند.

این موضوع بازتابی از توزیع ثروت در سطح جهانی است. اگرچه پاداش‌ها به صورت سهام هستند و در نهایت باید مالیات‌بپردازند، اما زمان‌بندی دریافت و تبدیل آن‌ها به پول نقد، مسیرهای قانونی متعددی برای به حداقل رساندن بار مالیاتی فراهم می‌کند. در حالی که کارمندان عادی با نرخ‌های تصاعدی مالیات، در درآمد مواجه هستند، این نابرابری در بار مالیاتی، خود یک مکانیسم تشدیدکننده شکاف است.

(این رقم بسته به نوسانات بازار تغییر می‌کند، اما در اوج خود به این میزان نزدیک شد).

این مدل پاداش‌دهی بر یک فرض اساسی استوار است: رهبری کاریزماتیک و دیدگاه‌های انقلابی یک مدیر، قادر است ارزش شرکت را به حدی برساند که هیچ شرکت خودروسازی یا فناوری دیگری در تاریخ به آن دست نیافته است.

مقایسه در مقیاس جهانی؛ اندازه‌گیری ابعاد نابرابری

برای درک عظمت این عدد، باید آن را در ترازوی واقعیت‌های بودجه‌ای قرار داد. این یک تمرین ساده در مقیاس‌بندی است که نشان می‌دهد تمرکز منابع چقدر به دور از میانگین جهانی است.

۱- مقایسه با بودجه ملی ایران: بودجه عمومی دولت جمهوری اسلامی ایران برای سال ۱۴۰۴ شمسی (معادل ۲۰۲۵ میلادی)، رقمی در حدود ۶۴ میلیارد دلار برآورد شده است (با فرض نرخ ارز مشخص برای تبدیل بودجه ریالی به دلار). این مبلغ شامل تمام هزینه‌های جاری، عمرانی، دفاعی و خدماتی کشور است. اما پاداش ماسک تقریباً ۱۵۶ برابر بودجه کل سالانه ایران است.

این یعنی ثروتی که به عنوان پاداش به یک فرد تعلق گرفته، می‌تواند برای چندین سال، تمام هزینه‌های یک کشور ۸۵ میلیونی را تأمین کند. این شکاف، سوالات اساسی را درباره اولویت‌ها مطرح می‌کند: چرا یک فرد در ساختار اقتصادی مدرن می‌تواند به پاداشی دست باید که معادل مجموع نیازهای مالی و توسعه‌ای یک کشور بزرگ با جمعیتی بالغ بر ۸۵ میلیون نفر در طول یک سال است؟

۲- مقایسه با کمک‌های توسعه‌ای و فقر جهانی: این مقایسه را می‌توان به ابعاد بزرگ‌تری نیز تعمیم داد. بر اساس داده‌های سازمان ملل و بانک جهانی، نیاز سالانه برای پایان دادن به گرسنگی شدید در جهان، به مراتب کمتر از یک درصد این مبلغ است. و پاداش یک تریلیون دلاری، به لحاظ تئوری، می‌تواند برای بیش از ۵۰ سال، نیازهای اولیه به آب آشامیدنی سالم و سودآوری تعیین شده، اعطا می‌شود. اگرچه در زمان تصویب، ارزش دلاری آن کمتر از یک پاداش سنتی بود، اما با جهش ارزش بازار تسلا، ارزش اسمی آن اکنون به ارقامی در حدود تریلیون دلار می‌رسد

طرح نو، شیوا صفری

جهان امروز شاهد پدیده‌ای است که در آن تمرکز ثروت و ارزش‌گذاری بر مدیران شرکت‌ها، از مرزهای واقعیت اقتصادی گذشته و وارد قلمرویی افسانه‌ای شده است. بسته‌ی پاداش تریلیون دلاری ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا، نه تنها یک رکورد مالی است، بلکه به مثابه‌ی یک آینه تمام‌نما، شکاف بی‌سابقه‌ی میان نخبگان جهانی و واقعیت‌های معیشتی اکثریت جمعیت جهان را منعکس می‌کند. این مبلغ هنگفت، که از مرز تصورات بودجه‌ای اغلب کشورهای جهان فراتر می‌رود، بحش‌های عمیقی را درباره‌ی ارزش ذاتی کار، ریسک‌پذیری، و توزیع ناعادلانه منابع در عصر نوین سرمایه‌داری ایجاد کرده است. در این نوشتار، به تشریح ماهیت این پاداش و مقایسه‌ی تکانه‌دهنده آن با بودجه‌های ملی، از جمله بودجه‌ی کل ایران، خواهیم پرداخت. این بررسی، ما را وادار می‌کند تا در مورد بنیان‌های اخلاقی و اقتصادی شیوه‌ی ارزش‌گذاری در قرن بیست و یکم بازاندیشی کنیم.

یک تریلیون دلار پاداش

بسته پاداش تریلیون دلاری ایلان ماسک، که توسط سهامداران تسلا به طور مشروط تأیید شد، صرفاً یک تسویه حساب مالی نیست؛ بلکه یک رویداد اقتصادی-اجتماعی است که باید از منظر تأثیر آن بر ساختارهای جهانی مورد واکاوی قرار گیرد. این پاداش، که ارزش آن به تحقق اهداف جاه‌طلبانه نظیر رساندن ارزش بازار شرکت به ۷۵ تریلیون دلار وابسته است، نشان می‌دهد که بازار سرمایه، در غیاب تنظیمات مؤثر، چقدر می‌تواند برای «چشم‌انداز» و «هبری» ارزش قائل شود. ساختار این پاداش، که اغلب به صورت اختیار سهام و مشروط به رسیدن به اهداف بسیار بلندپروازانه است، نمونه بارز گذار از پاداش مبتنی بر درآمد به پاداش مبتنی بر ارزش بازار است.

پاداش مورد بحث، در واقع مجموعه‌ای از ۱۰ جایزه عملکردی است که هر کدام معادل ۱۰۰ میلیون دلار سهم (پس از تعدیل برای تقسیم سهام) در صورت تحقق مراحل سه‌گانه رشد بازار و سودآوری تعیین شده، اعطا می‌شود. اگرچه در زمان تصویب، ارزش دلاری آن کمتر از یک پاداش سنتی بود، اما با جهش ارزش بازار تسلا، ارزش اسمی آن اکنون به ارقامی در حدود تریلیون دلار می‌رسد

گزارش

پیش نویس قطعنامه‌ی ضد ایرانی اروپا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛

انرژی هسته‌ای، حق مسلم ایران در عصر گذار جهانی از نفت

علمی نداشته باشد. ایران اما با توسعه دانش هسته‌ای، نظم ناعادلانه منطقه را به چالش کشیده و همین امر موجب استمرار فشارها شده است.

انرژی هسته‌ای و آینده امنیت ملی ایران

در جهان امروز، قدرت علمی و فناوری تعیین‌کننده جایگاه کشورهاست. همان‌گونه که فناوری موشکی در دهه‌های گذشته نماد اقتدار راهبردی شد، انرژی هسته‌ای نیز در دهه‌های آینده ستون فقرات امنیت ملی و اقتصادی کشورها خواهد بود.

توانایی تولید سوخت داخلی نیروگاه‌ها یعنی تضمین امنیت انرژی کشور؛ یعنی اینکه هیچ قطعنامه‌ای، هیچ تحریم نفتی یا گازی، نتواند چرخ نیروگاه‌ها و صنایع ایران را متوقف کند. همچنین، توسعه انرژی هسته‌ای، بستری برای رشد فناوری‌های جانبی همچون ابررایانه‌های مدل‌سازی، رباتیک صنعتی و مواد پیشرفته است؛ فناوری‌هایی که در نهایت، صنایع خودروسازی، پزشکی و فضایی کشور را نیز متحول خواهند کرد.

دیپلماسی هوشمند و مقاومت علمی

ایران در شرایط پیچیده جهانی کنونی، باید با ترکیب دیپلماسی فعال و مقاومت علمی، مسیر خود را ادامه دهد. عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی غرب نه تنها منجر به آرامش نخواهد شد، بلکه آنان را برای تحمیل محدودیت‌های تازه جسورتر می‌کند.

تجربه برجام نشان داد که حتی پس از توافق، سیاست تحریم‌ها و فشار روانی ادامه یافت. از همین رو، امروز ضروری است که دولت و نهادهای علمی کشور با انسجام و وحدت پیام، تأکید کنند که حق غنی‌سازی، حق غیرقابل مذاکره ملت ایران است. در کنار مقاومت، دیپلماسی علمی ایران می‌تواند با گسترش همکاری با کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، جبهه‌ای نو در عرصه فناوری‌های صلح‌آمیز ایجاد کند. کشورهای چون چین، روسیه، هند و برزیل به‌خوبی درک کرده‌اند که استفاده از انرژی هسته‌ای، هسته‌ای صلح‌آمیز برابر وابستگی است و همکاری با ایران در این زمینه، منافع بلندمدت اقتصادی و ژئواستراتژیک دارد.

کشاورزی و صنایع غذایی: استفاده از پرتوهای هسته‌ای برای ضدعفونی و افزایش ماندگاری محصولات. محیط زیست و مدیریت منابع آب: بهره‌گیری از ایزوتوپ‌ها برای ردیابی منابع زیرزمینی و مقابله با آلودگی‌های صنعتی. تحقیقات علمی و فناوری نانو: پرتوهای پرنانرژی هسته‌ای در پژوهش‌های مواد و فیزیک کاربرد گسترده‌ای دارند. بدین ترتیب، مخالفت غرب با توسعه هسته‌ای ایران، نه صرفاً نگرانی از غنی‌سازی، بلکه تلاش برای جلوگیری از ورود ایران به باشگاه کشورهای دارای دانش چند منظوره است؛ باشگاهی که نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد جهانی آینده خواهد داشت.

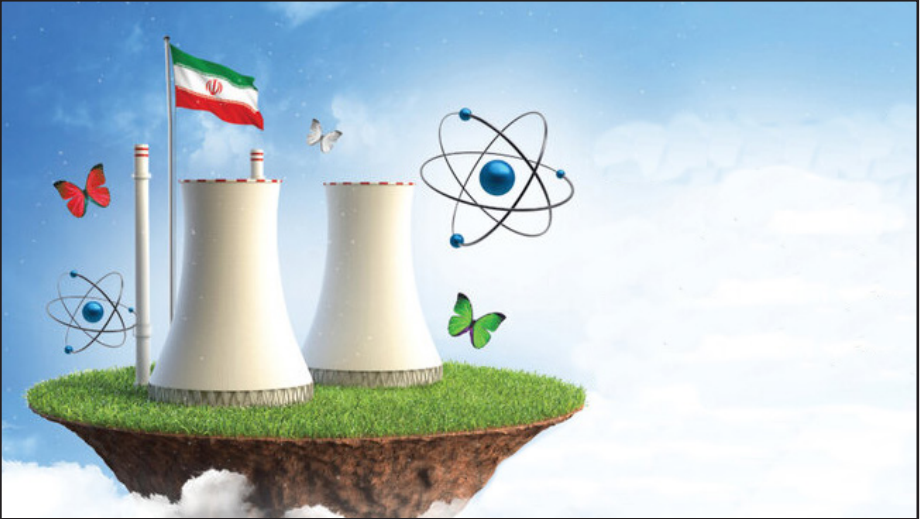
تروئیکای اروپایی و تکرار تاریخ با ظاهری تازه

پیش‌نویس ضد ایرانی اخیر، در واقع ادامه‌ی الگوی رفتاری سنتی اروپا در قبال ایران است؛ الگویی که ابتدا با «امام‌وریت مهار» آغاز می‌شود، سپس با «فشار روانی در آژانس» و نهایتاً به «تحریم‌های اقتصادی و انزوای دیپلماتیک» ختم می‌شود. این سیاست دوگانه، در ظاهر لباس حقوقی به تن دارد، اما در باطن، پوششی برای اعمال اراده سیاسی غرب بر کشورهای مستقل است.

در قطعنامه‌های مشابه گذشته، اروپا و آمریکا بارها برخلاف مواد معاهده NPPT، از ایران خواسته‌اند که فعالیت‌های غنی‌سازی را محدود یا متوقف کند؛ در حالی که بند ۴ این معاهده به صراحت بر حق هر کشور عضو در بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تأکید دارد.

گزارش اخیر رافائل گروسی و سکوت اروپا در برابر دروغ‌های آشکار آن، نشان می‌دهد که هدف اصلی، نه شفافیت فنی، بلکه مهندسی سیاسی پرونده ایران در آژانس است تا در آینده، بهانه لازم برای فشار بیشتر فراهم شود.

کشورهایی مانند فرانسه و بریتانیا که به ظاهر از خطر اشاعه سلاح‌های هسته‌ای سخن می‌گویند، خود از بزرگ‌ترین دارندگان زرادخانه‌های اتمی در جهان‌اند. در حالی که ایران بارها بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌اش تأکید و حتی به طور داوطلبانه دسترسی‌های گسترده‌ای به آژانس داده، هیچ‌گاه گزارش مستندی از انحراف به سمت نظامی ارائه نشده است. و این دوگانگی رفتاری، ریشه در منطق منافع دارد؛ غرب خواهان تعادل منطقه‌ای است که در آن هیچ کشوری جز رژیم صهیونیستی و متحدان غربی، قدرت بازدارندگی



سپس با تلاش دانشمندان داخلی برای طراحی رآکتورهای تحقیقاتی کوچک و ساخت چرخه کامل سوخت ادامه یافت. برنامه غنی‌سازی در تأسیسات نظنر و فردو، نماد اراده ملی برای تحقق استقلال انرژی بود؛ اراده‌ای که با ترورهای علمی، تحریم‌های ناپجا، و فشارهای سیاسی شدید مواجه شد اما هرگز متوقف نگردید.

شهیدان راه علم، از علی‌محمدی تا شهریاری، رمز پایداری ملتی هستند که فهمیده‌اند توسعه واقعی بدون علم بومی و بدون استقلال انرژی، ممکن نیست. امروز، ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم در ایران به سطحی رسیده است که نه تنها تأمین‌کننده سوخت داخلی است، بلکه می‌تواند پایه‌گذار همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه انرژی هسته‌ای باشد؛ برنامه‌ای که در آینده نزدیک می‌تواند ایران را به هاب فناوری خاورمیانه تبدیل کند.

انرژی هسته‌ای؛ فراتر از برق و رآکتور

بُعد اقتصادی و علمی انرژی هسته‌ای، بسیار فراتر از تولید برق است. این فناوری در ده‌ها حوزه راهبردی نقش حیاتی دارد:

پزشکی هسته‌ای: تولید رادیودارو و ایزوتوپ‌های پزشکی برای تشخیص و درمان سرطان‌ها و بیماری‌های خاص. ایران امروز از معدود کشورهای خاورمیانه است که توان تولید داخلی رادیودارو دارد.

طرح نو؛ سردبیر

المیادین به نسخه‌ای از پیش‌نویس قطعنامه‌ی ضد ایرانی سه کشور اروپایی دست یافته است که «تروئیکای» اروپایی آن را در جلسه آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از ۱۹ تا ۲۱ نوامبر برگزار می‌شود، ارائه خواهد کرد.

این پیش‌نویس ضد ایرانی بدون در نظر گرفتن حق غنی سازی ایران، صرفاً مبتنی بر گزارش دروغ رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنظیم و «نتیجه می‌گیرد که برای آژانس مهم است که بتواند در اسرع وقت ذخایر مواد هسته‌ای اعلام‌شده قبلی ایران را تأیید کند تا نگرانی‌های خود را برطرف کند و از رعایت توافقتنامه پادمان‌های معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در مورد انحراف احتمالی مواد هسته‌ای اعلام‌شده از کاربرد صلح‌آمیز اطمینان حاصل کند.»

در آستانه یک تقابل راهبردی

پیش‌نویس جدید «تروئیکای اروپایی» علیه برنامه هسته‌ای ایران نه یک اتفاق مقطعی، بلکه بخشی از سیاست بلندمدت مهار علمی و تکنولوژیک ایران است. کشورهای اروپایی، که خود در دهه‌های اخیر از رشد نفوذ تهران در مسائل منطقه‌ای و جهانی نگران شده‌اند، اکنون می‌کشوند از مسیر آژانس انرژی اتمی و گزارش‌های هدفمند، ادبیات امنیتی تازه‌ای علیه ایران شکل دهند؛ ادبیاتی که با واژگان به ظاهر فنی، اما با مفاهیم سیاسی آمیخته است.

اروپا در واقع دراین مرحله می‌خواهد برنامه هسته‌ای ایران را از محور فنی به محور سیاسی و امنیتی تغییر دهد؛ اقدامی که در نهایت زمینه‌ساز تحمیل قطعنامه‌های محدودکننده و در آینده، بازگرداندن فشارهای نامشروع خواهد شد. اما پرسش اساسی اینجاست که چرا در شرایطی که جهان به سمت انرژی‌های پاک، هسته‌ای و تجدیدپذیر حرکت می‌کند، ایران باید از حق خود برای غنی‌سازی و تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌هایش محروم گردد؟ و پاسخ روشن است؛ زیرا استقلال انرژی، استقلال سیاسی می‌آورد؛ و این همان چیزی است که غرب از آن بیم دارد.

افول عصر نفت در جهان و تولد عصر انرژی‌های نو

در دهه‌های آینده، سهم نفت و سایر انرژی‌های فسیلی در ساختار اقتصادی دنیا به طور جدی کاهش می‌یابد. آلودگی‌های زیست‌محیطی، محدودیت منابع فسیلی، رشد

گزارش

۹ خرید تابستانی تراکتور زیر ذره بین؛

قبولی خارجی‌ها، مردودی داخلی‌ها؟



طرح‌تو؛ گروه ورزش

مدافع عنوان قهرمانی در لیست نفرات خود در حالی تغییراتی نسبت به فصل گذشته اعمال کرد که اکثریت بازیکنان خارجی توانسته‌اند انتظارات را برآورده کنند اما در نقطه مقابل، خریدهای داخلی تراکتور موفق نبوده‌اند. به گزارش فوتبال ۳۶۰، تراکتور در مسیر به پایان رساندن یک‌سوم از لیگ بیست‌وپنجم، مسیر نیمه‌تمامی را طی کرد؛ چرا که در این بین، فشرده‌گی بازی‌های آسیایی و ملی باعث شد تا تقابل تراکتور - ملوان در هفته هفتم به تعویق بیفتد. با این وجود، سرخ‌پوشان در ۹۵ روزی که از فصل جدید گذشته، ۱۴ بازی در سوپر جام، لیگ برتر و لیگ نخبگان آسیا به میدان رفته‌اند و با توجه به شمار بازی‌های انجام شده، می‌توان عملکرد بازیکنان تازه‌وارد تراکتور را زیر ذره‌بین قرار داد.

نمره قبولی در کارنامه خارجی‌های تازه‌وارد تراکتور

از آمار جالب زائر کاظمین و خودنمایی محرمی تا ناکامی سرخابی‌های سابق!

رگی لوشکیا که در مسیر تقویت فاز هجومی به جمع سرخ‌پوشان تبریزی پیوست، توانسته در ۹ بازی برای تراکتور در فصل جدید، ۴ گل بزند و در ترکیب این تیم خوش درخشیده و بعد از امیرحسین حسین‌زاده، گلزن‌ترین بازیکن تراکتور در فصل جدید (در تمامی رقابت‌ها) محسوب می‌شود. الکساندر سدلار در قلب خط دفاع تراکتور توانسته به خوبی جای خالی عارف آقاسی را پر کند و زوج‌سازی موفق با شجاع خلیل‌زاده انجام داده و در میانه میدان هم خریدهای خارجی تراکتور کارنامه قابل‌قبولی از خود به جای گذاشته‌اند. عادل‌جان خامروبوکوف در کنار تیبور هیلوویچ، ۲ هافبک تازه‌وارد تراکتور هستند که هر کدام در فصل جاری توانسته‌اند یک گل بسازند اما اتفاق مهم آنکه در میانه زمین توانسته‌اند به خوبی نبض بازی را به‌دست گیرند و این مسئله در بازی‌های آسیایی تراکتور بیش از پیش به چشم آمده تا همچنان اسکوچیچ در زمینه جذب بازیکن خارجی چهره موفق در فوتبال ایران باشد. البته در این بین باید اشاره داشت که مارکو یوهانسون در حالی برای تقویت خط دروازه تراکتور و پر کردن جای خالی بیرانوند در ایام محرومیت به جمع تیمی‌ها پیوست که فقط یک بازی برای تراکتور انجام داد و پایان محرومیت بیرو باعث شد تا گلر سوئدی فعلاً محک جدی نخورد و عملکردش غیرقابل‌سنجش باشد.

خبر

معمار تکواندو میانه در تیم ملی



طرح‌تو؛ یونس نهاری فلاحی‌راد به عنوان مربی تیم امید ایران اعزامی به مسابقات جهانی کنیا منصوب شد. طی حکمی از سوی ساعی، رئیس فدراسیون تکواندو کشور، فلاحی‌راد مربی بازیکن پرور شهرستان میانه، به‌عنوان مربی تیم ملی امید ایران در رقابت‌های جهانی کنیا برگزیده شد. فلاحی‌راد سابقه حضور در تیم‌های ملی کشور را نیز در کارنامه دارد و طی سال‌های گذشته نقش مهمی در رشد و توسعه تکواندو در شهرستان میانه و استان آذربایجان شرقی ایفا کرده است. از جمله شاگردان نامدار او می‌توان به میرهاشم حسینی، سعید رجبی، زینالی اشاره کرد.

خبر

اعزام مربی کشتی تبریزی به همراه تیم ملی به مسابقات کشورهای اسلامی



طرح‌تو؛ یونس نهاری

به گزارش روابط عمومی اداره ورزش و جوانان شهرستان تبریز، فرید دژم خوی مربی ارزنده استان آذربایجان شرقی و عضو کادر فنی تیم ملی کشتی آزاد جمهوری اسلامی ایران به همراه تیم ملی کشتی آزاد برای حضور در ششمین دوره بازی‌های کشورهای اسلامی راهی شهر ریاض محل برگزاری این مسابقات شد. اسامی نفرات اعزامی به این رقابت‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

۶۵ - رحمان عموزاد (مازندران)
 ۷۴ - یونس امامی (تهران)
 ۸۶ - کامران قاسم پور (مازندران)
 ۹۷ - امیر علی آذربیرا (تهران)
 ۱۲۵ - امیرحسین زارع (مازندران)
 سرمربی: پژمان درستکار
 مربیان: مهدی تقوی، احسان امینی، فرید دژم خوی و فرشید قبادی
 دکتر بدنساز: آقا علی قاسم نیان
 ماساژور: سجاد امیری
 ناظر فدراسیون: فرهاد فخرایی

۵۷ - علی مومنی (مازندران)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای



شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی (سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای نسبت به واگذاری عملیات به شرح جدول ذیل اقدام نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	خرید یک دستگاه جرثقیل ۱۰ تنی	۹۹/۱۴۰۴	۲۰۰۴۰۰۵۰۹۰۰۰۰۱۰۰	۳,۹۲۵,۰۰۰,۰۰۰

در صورت تمایل به شرکت در مناقصه رعایت نکات ذیل الزامی است.

۱- **زمان و محل و نحوه دریافت اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ لغایت ۱۴۰۴/۰۸/۲۹، به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. «سامانه تدارکات الکترونیکی دولت - (دریافت اسناد)»

«پایگاه اطلاع رسانی معاملات شرکت توانیر به آدرس - (ملاحظه آگهی) www.setadiran.ir

۲- **آخرین مهلت و محل تحویل و بازگشایی پاکات:** پیشنهاددهندگان ضمن بارگذاری تصویر کلیه مدارک پاکت های (الف، ب، ج) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۰۹:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵، نسبت به تحویل اصل پاکت الف طبق شرایط درج شده در اسناد مناقصه تا ساعت ۱۰:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ به دبیرخانه مرکزی شرکت به آدرس تبریز بلوار استاد شهریار خیابان گلکار شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان

شرقی اقدام نمایند. زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی پیشنهادات واصله ساعت ۱۱:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ خواهد بود. بازگشایی پاکت مناقصه (الف، ب، ج) پس از ارزیابی کیفی شرکت کنندگان در ساعت ۱۱:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ خواهد بود.

۳- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

۴- پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده تضمین های معتبر از جمله واریز نقدی، ضمانتنامه بانکی و ... اقدام و در پاکت الف ارائه نماید. توضیح اینکه به پیشنهادهای فاقد سپرده سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و فاقد امضاء مشروط و پیشنهادهای که بعد از انقضاء مدت مقرر در بند ۲ آگهی مناقصه واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵- **هزینه چاپ آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.**

شاهد افلاکی



چون زلف توأم جانا در عین پریشانی
چون باد سحرگام در بی‌سروسامانی
من خاکم و من گردم من اشکم و من دردم
تو مهری و تو نوری تو عشقی و تو جانی
خواهم که ترا در بر بنشانم و بنشینم
تا آتش جانم را بنشیننی و بنشانی
ای شاهد افلاکی در مستی و در پاکی
من چشم ترا مانم تو اشک مرا مانی
در سینه سوزانم مستوری و مهوری
در دیده بیدارم پیدایی و پنهانی
من زمزمه عودم تو زمزمه پردازی
من سلسله مویم تو سلسله جنبانی
از آتش سودایت دارم من و دارد دل
داغی که نمی‌بینی دردی که نمی‌دانی
دل با من و جان بی‌تو نسپاری و بسپارم
کام از تو و تاب از من نستانم و بستانی
ای چشم‌رهی سویت کو چشم‌رهی جویت؟
روی از من سر گردان شاید که نگردانی
رهی معیری

خدایا شکر

رقص قطرات باران
روی شیشه پنجره
تابلویی از هنر الهی است
که هر بیننده‌ای را
به تماشا وامی دارد
خدایا شکر برای باران رحمت

امام جمعه تبریز:

کتابخوانی کلید قدرت معنوی و مادی انسان است

پیش‌روی فعالان اقتصادی را برطرف کرده و شرایط را برای فعالیت آنان تسهیل کنند.

وی همچنین بر لزوم نظارت بر حقوق کارگران و نظام مالیاتی تأکید کرد.

امام جمعه تبریز به اهمیت کتاب و کتابخوانی در اسلام اشاره کرد و گفت: ۲۴ آبان ماه روز کتاب است و نخستین آیه‌ای که بر پیامبر اسلام نازل شد، دعوت به خواندن بود. خواندن و مطالعه، هم قدرت معنوی و هم قدرت مادی انسان را تقویت می‌کند و در اسلام علم و دانش جایگاه ویژه‌ای دارد.

وی افزود: با توجه به این اهمیت، همه نهادها و افراد به ویژه خبرین باید در ترویج فرهنگ کتابخوانی و حمایت از مؤسسات فرهنگی و برگزاری مسابقات کتابخوانی مشارکت فعال داشته باشند.

امام جمعه تبریز همچنین به روز بزرگداشت علامه طباطبایی در همین تاریخ اشاره کرد و اظهار داشت: یونسکو علامه طباطبایی را به عنوان یک شخصیت بین‌المللی معرفی کرده است. ایشان یکی از افتخارات شیعه و بشریت به شمار می‌آید و در قرن اخیر مسائل فلسفی متعددی را بررسی کرده و شاگردان برجسته‌ای تربیت کرده است.

وی در پایان با اشاره به سالروز آزادسازی سوسنگرد در ۲۶ آبان، این عملیات را یکی از سخت‌ترین نبردهای دوران دفاع مقدس دانست و افزود: ایستادگی رزمندگان ایرانی در برابر تجاوز دشمن، موجب شد پس از چهار ماه مقاومت، سوسنگرد از چنگال متجاوزان آزاد شود. / مهر



تلاش برای مزوی کردن ایران بی‌نتیجه خواهد ماند. وی همچنین با اشاره به وضعیت غزه، شرایط این منطقه را بسیار دردناک توصیف کرد و گفت: روزانه انسان‌های بی‌گناه به شهادت می‌رسند و تنها بخش کوچکی از مسیرهای کمک‌رسانی باز است.

وی مقاومت لبنان و حماس را موجب دلگرمی دانست و رژیم صهیونیستی را یکی از خبیث‌ترین رژیم‌ها خواند که تا زمان از بین رفتن آن، آرامش به منطقه باز نخواهد گشت.

در ادامه خطبه‌ها، مطهری‌اصل با تأکید بر اینکه بخش خصوصی توان حل بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور را دارد، از دولتمردان خواست موانع

گسترش فرهنگ مطالعه را فراهم کنند. وی همچنین به پیش اتحاد خیرنگاران استان اشاره کرد و آن را اقدامی ارزشمند برای تقویت همگرایی رسانه‌ای و ملی دانست و گفت: در شرایط کنونی کشور، انسجام و وحدت از هر موضوع دیگری اهمیت بیشتری دارد و صاحبان تریبون باید در تقویت این روحیه پیشگام باشند.

امام جمعه تبریز بخش مهمی از سخنان خود را به تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای اختصاص داد و بیان اینکه اروپایی‌ها در صورت عدم دنباله‌روی از آمریکا مشکلی با ایران نخواهند داشت، افزود: ما توانایی مدیریت صادرات نفت خود را داریم و

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در بازدید از شرکت گاز استان:

فرهنگ‌سازی؛ کلید مدیریت مصرف و صیانت از نعمت گاز است

به‌کارگیری فناوری و تجهیزات نوین خلاصه نمی‌شود، بلکه سرمایه‌گذاری فرهنگی و آموزش‌محور، زمینه‌ساز نهادینه شدن رفتار درست مصرف در جامعه است. در این میان، دانش‌آموزان و کودکان مهم‌ترین ظرفیت برای ارتقای فرهنگ مصرف در خانواده‌ها به شمار می‌روند.

در ادامه این دیدار، فیروز خدایی، مدیرعامل شرکت گاز استان آذربایجان شرقی، با اشاره به بهره‌مندی صددرصدی شهرها و ۹۹.۴ درصد خانوارهای روستایی از نعمت گاز طبیعی گفت: گاز، شناسنامه‌ای از عدالت در انقلاب اسلامی است که رفاه و توسعه را برای مردم استان به ارمغان آورده است.

وی افزود: با وجود توسعه مطلوب شبکه گازرسانی، امروز این نعمت الهی در معرض تهدید اسراف قرار دارد و باید با همکاری مردم، رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی، فرهنگ مصرف بهینه در جامعه نهادینه شود.



دستگاه‌های خدمات‌رسان را در مسیر فرهنگ‌سازی مصرف صحیح انرژی همراهی کند. وی خاطرنشان کرد: مدیریت صحیح تنها در

پایان افزود: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان متولی کمیته رسانه انرژی، تلاش دارد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای،

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در دیدار با مدیرعامل شرکت گاز استان، که در چارچوب برنامه‌های کمیته رسانه انرژی انجام شد، بر اهمیت فرهنگ‌سازی در زمینه مدیریت مصرف گاز و صیانت از این نعمت الهی تأکید کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، نعمت‌الله پایان ضمن بازدید از مرکز راهبری و مدیریت توزیع گاز، از نزدیک در جریان روند توزیع گاز در سطح استان قرار گرفت.

وی در این دیدار با قدردانی از عملکرد شرکت گاز در تأمین پایدار انرژی برای مردم استان اظهار داشت: گاز از نعمت‌های بزرگ الهی است که به‌صورت عادلانه در تمامی شهرها و روستاهای استان توزیع شده و لازم است قدر این موهبت الهی را بدانیم و از هدررفت سرمایه‌های ملی جلوگیری کنیم.

وقتی نسل Z هم پای چاه می‌نشیند

ظرفیت جذب و تعامل گسترده را دارند. سریال «یوسف پیامبر (ع)» با درون‌مایه‌ای مبتنی بر ایمان، ایثار و تقابل حق و باطل، از لحاظ دراماتیک نیز اثری آموزنده است. روایت از چاه تا تخت، استعاره‌ای از سیر انسان در مسیر تعالی است؛ از تاریکی‌ها به سوی روشنایی، از غربت به عزت، از صبر به شکوه. در این مسیر، مخاطب در کنار یوسف (ع) رشد می‌کند و معنای حقیقی «امتحان» و «بخشایش» را درک می‌نماید. شاید همین جهان‌روایی اثر است که باعث شده نسل جوان امروز، با وجود فاصله زمانی و فرهنگی، باز هم با آن ارتباط برقرار کند.

برای ذهنی دیجیتال و جست‌وجوگر نسل Z، مفاهیمی چون صبر، صداقت و بخشش در قالب درام تصویری، تجربه‌ای تازه و درعین‌حال عمیق محسوب می‌شود. از منظر رسانه‌ای، بازپخش هدفمند چنین سریال‌هایی نشانه‌ای از تحول در سیاست محتوایی رسانه ملی است. انتخاب دقیق آثار آرشویی با ارزش هنری و محتوایی بالا، نه صرفاً یادآوری گذشته، بلکه احیای سرمایه‌های فرهنگی است.

آی‌فیلم با تمرکز بر بازنمایی آثار شاخص، نقش مؤثری در پیوند دوباره مردم با تلویزیون ایفا می‌کند. این شبکه عملاً به پل ارتباطی میان دیروز و امروز تلویزیون ایران تبدیل شده است؛ پلی که هر دو سوی آن، یعنی مخاطب سنتی و دیجیتال، از عبور در مسیرش لذت می‌برند.

در کنار همه این‌ها، نباید فراموش کرد که «یوسف پیامبر (ع)» از نظر فنی نیز اثری پیشرو در زمان خود بود. طراحی لباس، گریم و دکوراسیون صحنه‌ها با استانداردهای سینمایی و جزئیات کم‌نظیر اجرا شده است. موسیقی متن ماندگار ساخته آریا عظیمی‌نژاد، با آن ملودی حزن‌آلود و روحانی، هنوز هم یکی از به‌یادماندنی‌ترین قطعات تلویزیونی کشور به شمار می‌رود و در حافظه جمعی مردم جایگاهی ویژه دارد. در نهایت می‌توان گفت که آی‌فیلم با بازپخش دوباره این اثر، نه صرفاً مجموعه‌ای تلویزیونی، بلکه بخشی از میراث فرهنگی و معنوی ملت ایران را احیا کرده است. این بازپخش، نوعی یادآوری است از اینکه در جهان پرسرعت امروز، هنوز هم می‌توان به صداقت تصویر، قدرت روایت و ایمان به ارزش‌های انسانی تکیه کرد. نسل امروز، اگرچه با فناوری‌های جدید بزرگ شده، اما همچنان در جست‌وجوی معناست؛ و تلویزیون ملی می‌تواند همان جایی باشد که این معنا را در قالب تصویر و قصه بازمی‌یابد.

سریال «یوسف پیامبر (ع)» بار دیگر نشان داد که وقتی روایت، حقیقت و هنر در یک قاب جمع می‌شوند، زمان نمی‌تواند از درخشش آن بکاهد. آی‌فیلم با این انتخاب هوشمندانه، نه‌تنها مخاطبان قدیمی خود را حفظ کرده، بلکه توانسته پلی ارتباطی میان نسل‌ها بسازد؛ پلی که از چاه یوسف تا دل نسل Z امتداد دارد.



تلویزیون آشنا سازند. بازخوردها در شبکه‌های اجتماعی آی‌فیلم نشان می‌دهد که کاربران - از نوجوانان تا بزرگسالان - درباره صحنه‌های نمادین و پیام‌های معنوی سریال گفت‌وگو می‌کنند. هشنگ «#یوسف-پیامبر» بار دیگر در پلتفرم‌های فارسی‌زبان فعال شده و کاربران با انتشار دیالوگ‌های ماندگار اثر، لحظات مورد علاقه خود را بازنشر می‌کنند. این امر بیانگر آن است که حتی در فضای دیجیتال، محتواهای کلاسیک اما قدرتمند هنوز

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب پخش دوباره سریال ماندگار «یوسف پیامبر (ع)» از شبکه آی‌فیلم، یادآور این حقیقت است که آثار اصیل، محدود به زمان و نسل خاصی نمی‌شوند. این اثر فاخر دینی به کارگردانی فرج‌الله سلحشور، بار دیگر توانسته مرز میان نسل‌ها را درنوردد و مخاطبانی از هر سن و سلیقه را پای قاب تلویزیون بنشاند. در دوره‌ای که مخاطب جوان به‌ویژه نسل Z در دنیایی از محتوای دیجیتال و سرگرمی‌های سریع غرق است، استقبال از بازپخش این سریال نشان می‌دهد که روایت‌گری عمیق و اصیل هنوز جایگاه خود را در دل و ذهن بیننده ایرانی حفظ کرده است. در بازپخش اخیر، «یوسف پیامبر (ع)» نه‌تنها موجی از نوستالژی را برای مخاطبان قدیمی زنده کرده، بلکه توانسته میان نسل تازه‌ای از بینندگان نیز محبوب شود. این نسل، که کمتر به تلویزیون کلاسیک روی خوش نشان می‌دهد، در مواجهه با این اثر تاریخی و معنوی، با فضایی مواجه شده که حقیقتاً در تضاد با محتوای سریع و سطحی شبکه‌های اجتماعی است. شاید راز بی‌جذب دوباره را باید در صداقت، صلابت و کیفیت می‌یابد این اثر جست‌وجو کرد؛ مجموعه‌ای که با بهره‌گیری از بازیگران برجسته، طراحی صحنه‌های عظیم، موسیقی تأثیرگذار و روایت روان، توانسته روایتی جهانی از ایمان و صبر را در قالبی ایرانی و اصیل عرضه کند. شبکه آی‌فیلم، با نگاهی هوشمندانه و تحلیل دقیق

نمایش رایگان هفت انیمیشن اقتباسی کانون در هفته کتاب



دلنشین را از نزدیک مشاهده کنند.

امور سینمایی کانون از تمامی اعضا و دستاران کتاب دعوت کرده است تا از این فرصت استفاده کنند و از محتوای تولیدشده در این مجموعه بهره‌مند شوند. سی‌وسومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «بخوانیم برای ایران» از ۲۴ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۴ در سراسر کشور برگزار می‌شود و کانون پرورش فکری نیز هم‌زمان با این رویداد ملی، با برگزاری برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی، ترویج فرهنگ مطالعه را در میان کودکان و نوجوانان دنبال می‌کند.

کارگردانی مریم کشکولی‌نیا، «نقاش و پرنده» اثر سعید ترخانی و «ننه‌کلاغه و روباه» به کارگردانی محمدعلی سلیمان‌زاده در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این اقدام را با هدف پیوند دادن دنیای خیال کتاب‌ها با تصویر متحرک و همچنین ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در میان کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها اجرا می‌کند. ارائه این آثار فرصتی فراهم می‌آورد تا مخاطبان سفر هیجان‌انگیزی به جهان داستان‌های کتاب‌های کانون پرورش فکری تجربه کرده و تبدیل قصه‌های خواننده‌شده به تصاویر

آغاز شده و تا پایان روز جمعه ۳۰ آبان ادامه خواهد داشت. مخاطبان و علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای این مجموعه انیمیشن‌ها به پرتال سینمایی کانون به نشانی nama.kpf.ir/FilmDailyCast مراجعه کنند.

در این طرح، مجموعه‌ای از آثار برگزیده امور سینمای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شامل انیمیشن‌های «ماه‌گیر و بهار» اثر سیدحسین سلطانی، «سگی که مرض داشت» به کارگردانی پروین تجوید، «کشاورز و ربات» به کارگردانی عبدالله علمبراد، «وقتی که بچه بودم» و «قدم یازدهم» به

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم‌زمان با سی‌وسومین دوره هفته کتاب، هفت انیمیشن اقتباسی از کتاب‌های این مجموعه را به‌صورت رایگان منتشر می‌کند.

هم‌زمان با سی‌وسومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، هفت انیمیشن اقتباسی از کتاب‌های ماندگار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌صورت رایگان برای عموم منتشر می‌شوند. این ویژه‌برنامه سینمایی از روز شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۴

شناسه آگهی: ۲۰۴۷۷۴۶

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۷/۶۳۳
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

برابر آراء صادره هیأت موضوع تعیین تکلیف ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی غرب تبریز، تصرف مالکانه و بلا معارض متقاضیان محزر گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود.

آگهی پلاک ۶ اصلی بخش ۱۰ تبریز (خلجان)

۱- آقای علی اصغر خلجانی پوراحمدیان فرزند محمد به ش.ش. ۵۳۶۳ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۸۲٫۱۳ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602592$ و $Y=622084$

۲- آقای سیدهادی چاوشی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۳۰۸ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۸۸٫۶۸ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602797$ و $Y=622084$

۳- خانم اشرف قسم زاده دیزج فرزند محمد به ش.ش. ۱۹۳۵ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۲۱٫۴۸ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=603792$ و $Y=622084$

۴- خانم فریبا سامی پورخلجان فرزند محمد به ش.ش. ۱۱۴ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۱۰٫۴۳ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=603792$ و $Y=622084$

۵- آقای میرحسین پورمیردوستی فرزند محمد به ش.ش. ۱۳۳۰ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۹۸٫۹۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=603129$ و $Y=622084$

۶- آقای عمران حدادی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۱۳۹۶ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۲۲۷۴۸٫۰۲ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=604702$ و $Y=6206127$

۷- آقای جواد حدادی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۷۴۷ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۲۲۷۴۸٫۰۲ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=604702$ و $Y=6206127$

۸- آقای عمران حدادی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۱۳۹۶ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۱۴۱۴۷٫۶۳ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=604597$ و $Y=6206127$

۹- آقای جواد حدادی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۷۴۷ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۱۴۱۴۷٫۶۳ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=604597$ و $Y=6206127$

۱۰- آقای احمد عابدین زاده خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۴۰۰۰ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم

$X=606099$

مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۳۷۱٫۳۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=604139$ و $Y=6205865$

۱۱- آقای احد عابدین زاده خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۴۵۶۸ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۳۷۱٫۳۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=604139$ و $Y=6205865$

۱۲- خانم نیر نوریان خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۱۶ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۷۹٫۷۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602031$ و $Y=6208570$

۱۳- خانم کبری نوریان خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۵۵۲۵ صادره از تبریز مقداریک دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۷۹٫۷۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602031$ و $Y=6208570$

۱۴- آقای حسین نوریان خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۵۹۶۹ صادره از تبریز مقداریک دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۷۹٫۷۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602031$ و $Y=6208570$

۱۵- خانم پروین نوریان خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۷۱۶۱ صادره از تبریز مقداریک دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۷۹٫۷۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602031$ و $Y=6208570$

۱۶- خانم نسرين نوریان خلجانی فرزند محمد به ش.ش. ۲۳۳ صادره از تبریز مقداریک دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۷۹٫۷۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602031$ و $Y=6208570$

۱۷- آقای ناصر پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۱۱۶ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۱۸- آقای علی پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۵۸۹۹ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۱۹- خانم فاطمه پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۶۹۵۴ صادره از تبریز مقدار ۱ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۰- آقای نادر پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۱۱۵ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۱- آقای حسن پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۱۰ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۲- آقای حسن پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۹۲۷۴ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۰۵٫۶۲ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=602031$ و $Y=6208570$

۲۳- آقای صمد پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۴۴۴۸ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۴- آقای رحیم پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۵۳۲۸ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۵- آقای احمد پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۹۸۸۶ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۶- آقای جواد حدادی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۷۲۷ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۸۳٫۸۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۷- خانم حمیده پورصحرانی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۵۳۲۷ صادره از تبریز مقدار ۲ سهم مشاع از ۱۶ سهم از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۹۶۱٫۹۴ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=606099$ و $Y=6208084$

۲۸- خانم همپایان فرزند محمد به ش.ش. ۱۱۰۰ صادره از مراغه ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۷۹٫۶ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=603205$ و $Y=6208084$

۲۹- آقای مسلم همپایان فرزند محمد به ش.ش. ۱۱۰۰ صادره از مراغه ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۷۹٫۶ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=603205$ و $Y=6208084$

۳۰- آقای امین زارعی شجاعی فرزند محمد به ش.ش. ۴۰۳۶ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۸۶٫۲۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=623750$ و $Y=6238936$

۳۱- آقای امین زارعی شجاعی فرزند محمد به ش.ش. ۴۰۳۶ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۸۶٫۲۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=623750$ و $Y=6238936$

۳۲- آقای امین زارعی شجاعی فرزند محمد به ش.ش. ۱۳۱۲۷ صادره از مراغه ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۲۵٫۶ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=623750$ و $Y=6238936$

۳۳- آقای رحیم فروزنده فرزند محمد به ش.ش. ۹۱ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۰۰٫۷۳ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=619774$ و $Y=6239406$

۳۴- آقای رحیم فروزنده فرزند محمد به ش.ش. ۹۱ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۰۰٫۷۳ متر

۳۵- آقای رحیم فروزنده فرزند محمد به ش.ش. ۱۸۳ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۰۰٫۷۳ متر

روزنامه طرح نو

مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=619774$ و $Y=6239406$

۴۴- خانم اکرم آقابگلو فرزند محمد به ش.ش. ۴۲۶۵ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۰۴٫۶ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=616551$ و $Y=6236026$

۳۳- آقای سلیمان محمدی خلجان فرزند محمد به ش.ش. ۵۴۰۷ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۱۶٫۵۷ متر مربع مفروزی از ۱۷ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=601696$ و $Y=6239123$

۳۴- خانم ثمرخ اصلانی آقداش فرزند محمد به ش.ش. ۳۴۰ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۲۲۲۱٫۸۲ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=624841$ و $Y=6239123$

۳۵- آقای کریم اصلانی آقداش فرزند محمد به ش.ش. ۳۴۰ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۲۲۲۱٫۸۲ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=624841$ و $Y=6239123$

۳۶- آقای احمد آزادگله خانه فرزندمحمد به ش.ش. ۳۸۶۹ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۳۹۰٫۰۲ متر مربع مفروزی از ۳۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=624428$ و $Y=6237982$

۳۷- آقای منصور سلمانی فرزند محمد به ش.ش. ۵۹۲ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۵۸٫۲۳ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=624428$ و $Y=6237982$

۳۸- آقای حسن رسول پور فرزند محمد به ش.ش. ۰ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۲٫۵۱ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=624754$ و $Y=6237982$

۳۹- آقای امین زارعی شجاعی فرزند محمد به ش.ش. ۴۰۳۶ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۸۶٫۲۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=623750$ و $Y=6238936$

۴۰- خانم رویا سوران فرزند محمد به ش.ش. ۰ صادره از تبریز مقداره دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زراعی به مساحت ۷۸۶٫۲۱ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=623750$ و $Y=6238936$

۴۱- خانم معصومه اکبرزاده قلعه فرزند محمد به ش.ش. ۱۳۱۲۷ صادره از مراغه ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۲۵٫۶ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=623750$ و $Y=6238936$

۴۲- آقای رحیم فروزنده فرزند محمد به ش.ش. ۹۱ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۰۰٫۷۳ متر مربع مفروزی از ۱۶ اصلی بخش ده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=619774$ و $Y=6239406$

۴۳- خانم فاطمه مصطفی قره باغی فرزند محمد به ش.ش. ۱۸۳ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۰۰٫۷۳ متر

۴۴- خانم فاطمه مصطفی قره باغی فرزند محمد به ش.ش. ۱۸۳ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۰۰٫۷۳ متر

۴۵- خانم سیده سعادت فرزند محمد به ش.ش. ۴۳۰۲ صادره از تبریز سه دانگ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۰۴٫۶ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=616551$ و $Y=6236026$

۴۶- خانم مؤگان السادات ناظم الذاکرین فرزند محمد به ش.ش. ۲۷ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۷۷۱٫۸۱ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=614329$ و $Y=6239573$

۴۷- آقای محسن حراستی فرزند محمد به ش.ش. ۸۶۲ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۰۴٫۵۶ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=616764$ و $Y=6239242$

۴۸- خانم مینا پروان فرزند محمد به ش.ش. ۹۴ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۴۱۳٫۰۹ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=615456$ و $Y=6239242$

۴۹- خانم نیرموسی نژادامامیه فرزندمحمد به ش.ش. ۲۲۶۳ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۳۳٫۲۹ متر مربع مفروزی از ۳۷ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=615422$ و $Y=6239242$

۵۰- آقای محسن حراستی فرزند محمد به ش.ش. ۸۶۲ صادره از تبریز ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۵۸٫۲۵ متر مربع مفروزی از ۱۳ اصلی بخش یازده منطقه غرب تبریز با مختصات $X=615422$ و $Y=6239242$

آگهی در ۲ نوبت به فاصله ۱۵ روز منتشر می‌گردد و در صورتی که اشخاص نسبت به آراء صادره بنام متقاضیان اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه و در روستا ها از تاریخ الصاق آگهی در محل به مدت ۲ ماه اعتراض خود را مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک منطقه غرب تبریز تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تسلیم نماید و در غیر این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد و یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل باید مبادرت به صدور سند مالکیت نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

علی رستمی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک غرب تبریز

نکاهی به تاریخچه کریدور ایران در شمال غرب کشور؛

موقعیت آذربایجان در ساختار سیاسی زندیه



طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی...

بخش دوم ...

جایگاه تبریز در تجارت ایران، عثمانی و قفقاز در دوره زندیه

شهر تبریز، با موقعیت جغرافیایی ممتاز خود در شمال‌غرب ایران و نزدیکی به مرزهای عثمانی و قفقاز، در دوره زندیه همچنان به عنوان یک قطب مهم اقتصادی و تجاری باقی ماند. اهمیت این شهر، نه تنها به دلیل مرکزیت اقتصادی استان آذربایجان، بلکه به سبب نقش کلیدی آن در شبکه ارتباطی بین ایران و بازارهای خارجی آشکار بود. تبریز به طور تاریخی، از دوران صفویه و افشاریه، به عنوان دروازه‌ای برای تجارت با قفقاز و عثمانی عمل می‌کرد و این تجربه تاریخی، پایه‌ای برای استمرار نقش آن در دوره زندیه شد.

مسیرهای شمال‌غرب که از تبریز می‌گذشتند، جریان کالاهای ارزشمندی مانند ابریشم، فرش، پوست، ادویه، و محصولات کشاورزی را به بازارهای خارجی هدایت می‌کردند. این کالاها از فلات مرکزی ایران به تبریز می‌رسیدند و از آنجا به شهرهای مهم عثمانی مانند ارزروم و استانبول و همچنین مناطق قفقاز صادر می‌شدند. در مقابل، تبریز محل ورود کالاهای وارداتی و واسطه‌ای به ایران نیز بود که سپس به بازارهای داخلی منتقل می‌شدند. این جریان دوطرفه نشان می‌دهد که تبریز نه تنها یک مرکز تجاری داخلی، بلکه یک پل حیاتی بین بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رفت.

یکی از عوامل استمرار نقش تبریز در تجارت، ساختار بازار و شبکه بازرگانان وفادار به حکومت زندیه بود. این شبکه‌های تجاری توانستند حتی در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و تمرکز حکومت در شیراز، فعالیت اقتصادی شهر را حفظ کنند و از اختلال کامل جریان تجارت جلوگیری نمایند. وفاداری بازرگانان و مدیریت هوشمندانه کریم‌خان در بهره‌گیری از این شبکه‌ها، موجب شد که تبریز همچنان به عنوان واسطه اصلی تجارت ایران با قفقاز و عثمانی باقی بماند. ابعاد اقتصادی نقش تبریز، مستقیم با قدرت سیاسی و امنیت منطقه‌ای در هم تنیده بود. مسیرهای تجاری مرتبط با تبریز، علاوه بر جریان کالا، امکان جمع‌آوری مالیات و عوارض گمرکی را برای حکومت زندیه فراهم می‌کردند. این درآمدها، منابع مالی مهمی برای تأمین امنیت مسیره‌ها، پرداخت دستمزد فرمانداران و سربازان وفادار و تثبیت قدرت مرکزی به شمار می‌رفتند. به این ترتیب، اقتصاد تبریز به شکل مستقیم از طریق قدرت مرکزی و کنترل مسیره‌ها حمایت می‌شد و در عین حال، خود باعث تقویت اقتدار حکومت می‌گردید.

نقش تبریز تنها به اقتصاد محدود نمی‌شد؛ امنیت و ثبات سیاسی مسیره‌ها و شهرهای پیرامونی نیز به آن وابسته بود. جریان تجارت، انگیزه‌ای برای حکومت ایجاد می‌کرد تا امنیت مسیره‌ها را حفظ کند و مانع شورش یا نفوذ بیگانگان گردد. به بیان دیگر، تبریز یک نقطه اتصال حیاتی میان اقتصاد، سیاست و امنیت بود که موفقیت هر یک از این حوزه‌ها، دیگر حوزه‌ها را تقویت می‌کرد.

علاوه بر این، اهمیت تبریز از منظر اشتغال و توسعه اجتماعی نیز برجسته بود. رونق تجارت، زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های شغلی برای بازرگانان، حمل‌ونقل‌کنندگان، کارگران بازار و صنایع وابسته بود و شبکه‌های خدماتی مرتبط با تجارت مانند انبارداری، کاروانسراها و فعالیت‌های مالی را فعال نگه می‌داشت. این تعامل میان اقتصاد و اجتماع، به ایجاد ثبات نسبی اجتماعی و اقتصادی در استان کمک می‌کرد و نشان می‌داد که حفظ یک مسیر تجاری می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای فراتر از حوزه اقتصادی داشته باشد.

در مجموع، تبریز در دوره زندیه نه تنها قطب اقتصادی و تجاری شمال‌غرب ایران بود، بلکه به عنوان مرکز ثبات سیاسی، امنیت مسیره‌ها و قدرت مالی حکومت نیز عمل می‌کرد. این جایگاه استراتژیک، مداوم اهمیت کریدور شمال‌غرب و تعامل پیچیده میان قدرت مرکزی، اقتصاد و امنیت را به وضوح نشان می‌دهد و بازتاب سیاست هوشمندانه کریم‌خان در بهره‌گیری از ظرفیت‌های شهری و شبکه‌های محلی برای حفظ ثبات و رونق اقتصادی کشور است.

مسیره‌های تجاری شمال‌غرب:

تبریز – قلیس و تبریز – ارزروم

در دوره زندیه، مسیرهای تجاری شمال‌غرب ایران نه تنها شریان‌های اقتصادی، بلکه ابزارهای استراتژیک حکومت برای حفظ نفوذ و ثبات منطقه‌ای بودند. دو مسیر اصلی از تبریز به خارج از ایران، محور جریان کالا و ارتباطات دیپلماتیک میان ایران، قفقاز و امپراتوری عثمانی محسوب می‌شدند.

تبریز – قلیس: این مسیر از طریق جلفا و قره‌باغ به قفقاز متصل می‌شد و به کانالی حیاتی برای صادرات ابریشم، فرش و دیگر محصولات ایرانی به روسیه و گرجستان تبدیل شده بود. جریان تجارت در این مسیر، فراتر از منافع اقتصادی بود؛ مسیر تبریز – قلیس به حکومت زندیه امکان می‌داد تا روابط دیپلماتیک و تجاری خود با مناطق شمالی و امپراتوری روسیه را تثبیت کند و از نفوذ بیگانگان جلوگیری نماید. حضور کاروان‌ها، بازرگانان و شبکه‌های محلی وفادار، ثبات نسبی مسیر را حفظ می‌کرد و زمینه‌ای برای درآمدزایی دولت از طریق عوارض و مالیات فراهم می‌ساخت.

تبریز – ارزروم: این مسیر به بازارهای امپراتوری عثمانی و دریای سیاه متصل بود و جریان کالاهایی مانند پارچه، ادویه و محصولات اروپایی را ممکن می‌ساخت. رونق مسیر تبریز – ارزروم، وابسته به امنیت نسبی برقرارشده در دوران کریم‌خان زند بود. اما تمرکز حکومت در شیراز و محدودیت منابع مالی و نظامی مانع از توسعه کامل زیرساخت‌ها می‌شد و گاهی مسیر با تهدیدات محلی و نظامی مواجه بود.

این دو مسیر، به رغم محدودیت‌های تمرکز جنوب و کمبود منابع، همچنان نقش کلیدی در حفظ پیوند تجاری ایران با قفقاز و عثمانی داشتند و منبع مهمی برای درآمد و ثبات اقتصادی حکومت زندیه محسوب می‌شدند. به عبارت دیگر، مسیرهای تبریز – قلیس و تبریز – ارزروم نه تنها از نظر اقتصادی اهمیت داشتند، بلکه ابزارهای سیاست خارجی و امنیتی حکومت بودند و تعامل میان اقتصاد، قدرت و امنیت را به وضوح نشان می‌دادند.

این مسیره‌ها همچنین نشان می‌دهند که حتی با تمرکز سیاسی جنوب و چالش‌های داخلی، شبکه‌های تجاری شمال‌غرب ایران قادر به استمرار فعالیت خود بودند و مسیره‌های اصلی، ستون‌های حیاتی کریدور شمال‌غرب به شمار می‌رفتند. رونق این مسیره‌ها باعث شد که تبریز همچنان قلب پندۀ تجارت شمال‌غرب باشد و نقش آن در تقویت توان مالی و اقتدار حکومت زندیه، استمرار یابد.

بازار تبریز و پیوند ایران با شمال‌غرب در دوره زندیه

بازار تبریز، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بازارهای ایران، در دوره زندیه همچنان قطب اصلی تجارت شمال‌غرب ایران بود. سابقه تاریخی این بازار به دوران سلجوقیان و ایلخانیان بازمی‌گردد و با گذر زمان، به ویژه در دوران صفویه و سپس افشاریه، ساختار و اهمیت خود را تثبیت کرده بود. اهمیت تبریز تنها به حوزه اقتصادی محدود نمی‌شد؛ این شهر با موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود در شمال‌غرب ایران و در امتداد مسیرهای شمالی – غربی، پل حیاتی میان ایران، قفقاز و امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد و کالاهایی همچون ابریشم، فرش، ادویه و پارچه از فلات مرکزی و شرق ایران به این بازار می‌رسید و از آنجا به قفقاز، عثمانی و حتی روسیه صادر می‌شد.

ویژگی برجسته بازار تبریز، ساختار پیچیده و تخصصی آن بود. بازار شامل بخش‌های متعدد برای کالاهای مختلف مانند فرش، ابریشم، ادویه، پارچه و فلزات و همچنین کاروانسراها و انبارها بود. هر بخش شبکه‌ای از بازرگانان، واسطه‌ها و کارگران متخصص را مدیریت می‌کرد و به این ترتیب جریان کالا به صورت منظم و کارآمد برقرار می‌شد. این ساختار باعث شد که تبریز حتی در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و تمرکز حکومت در شیراز، نقش واسطه‌ای خود در تجارت شمال‌غرب را حفظ کند.

بازار تبریز نه تنها مرکز اقتصادی محلی بود، بلکه مرکز مبادلات ملی و بین‌المللی نیز محسوب می‌شد. این بازار با تأمین نیازهای مصرف شهری، به‌ویژه مدیریت جریان صادرات کالاهای ارزشمند ایرانی، نقش کلیدی در رونق کریدور شمال‌غرب و اتصال مسیرهای تجاری به قفقاز و عثمانی داشت. صادرات ابریشم، فرش، پوست و محصولات کشاورزی از طریق این بازار به مسیرهای شمال‌غرب منتقل می‌شد و در مسیره‌های بین‌المللی تجارت ایران قرار می‌گرفت.

علاوه بر نقش اقتصادی، بازار تبریز ابعاد سیاسی و امنیتی نیز داشت. جریان تجارت، درآمد مالیاتی و عوارض گمرکی مهمی برای حکومت زندیه فراهم می‌کرد و منابع مالی لازم برای تقویت قدرت مرکزی، حمایت از فرمانداران وفادار و حفظ امنیت مسیرهای شمال‌غرب را تأمین می‌کرد. مدیریت نسبی امنیت توسط نمایندگان و فرمانداران کریم‌خان زند، امکان داد که بازار حتی در دوره‌های سیاسی ناپایدار، رونق نسبی خود را ادامه دهد و از اختلال در جریان تجارت جلوگیری شود.

به این ترتیب، بازار تبریز هسته و مرکز مبادلات کالا در شمال‌غرب ایران بود که دامنه نفوذ آن به سطح ملی و بین‌المللی گسترده بود. این بازار نه تنها جریان کالا، ثبات اقتصادی و درآمد دولت را تضمین می‌کرد، بلکه پل ارتباطی استراتژیک میان ایران، قفقاز و عثمانی بود و نقش آن در توسعه و پایداری کریدور شمال‌غرب و قدرت مالی حکومت زندیه غیرقابل انکار بود.

کارکرد نظامی و امنیتی کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه

کریدور شمال‌غرب ایران، در دوره زندیه، بیش از آنکه صرفاً یک مسیر تجاری باشد، ستونی حیاتی برای امنیت و قدرت نظامی حکومت به شمار می‌رفت. این مسیره‌ها به دلیل مجاورت با مناطق مرزی و نزدیکی به امپراتوری عثمانی و قفقاز، نقش راهبردی در حفظ ثبات داخلی، دفاع از مرزها و تثبیت اقتدار مرکزی داشتند. اهمیت این کریدورها از آنجا ناشی می‌شد که کنترل مسیره‌ای شمال‌غرب نه تنها جریان تجارت و درآمد دولت را تضمین می‌کرد، بلکه امکان پاسخ سریع به تهدیدهای خارجی و شورش‌های محلی را نیز فراهم می‌ساخت.

یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی در این دوره، درگیری‌های مرزی با عثمانی بود. استان‌های شمال‌غرب، به ویژه آذربایجان و ارومیه، همواره در معرض حملات نیروهای عثمانی و همچنین گروه‌های محلی نآرام قرار داشتند. در پاسخ به این تهدیدها، کریم‌خان زند با هوشمندی نظامی خود، نیروهای وفادار را در شهرهای کلیدی مستقر کرد و فرمانداران مورد اعتماد خود را به تبریز، ارومیه و جلفا فرستاد تا مسیره‌ها و مناطق حساس تحت کنترل باقی بمانند.

تبریز، علاوه بر نقش اقتصادی و تجاری، پایگاهی نظامی و لجستیکی نیز بود. استقرار نیروهای نظامی در این شهر، به تثبیت اقتدار حکومت مرکزی کمک می‌کرد و امنیت نسبی مسیره‌های تجاری و کریدورهای شمال‌غرب را تضمین می‌کرد. وجود چنین پایگاهی به دولت زندیه امکان می‌داد تا علاوه بر مدیریت تجارت، بر ناآرامی‌های محلی و تهدیدات خارجی نیز نظارت داشته باشد.

تهدیدات نظامی تنها از طرف عثمانی نبود؛ ناامنی‌های محلی، شورش خان‌ها و رقابت میان قبایل منطقه‌ای نیز مانع از توسعه کامل مسیره‌ها می‌شد. با این حال، اقدامات امنیتی کریم‌خان و فرمانداران وفادار، توانستند این مسیره‌ها را در شرایط محدود اما قابل اتکا برای انتقال کالا، نیرو و اطلاعات حفظ کنند. به این ترتیب، کریدور شمال‌غرب همچنان امکان حمایت از عملیات نظامی، کنترل ایالات مرزی و جلوگیری از بحران‌های گسترده را فراهم می‌آورد.

در یک نگاه کلان، کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه، همزمان مسیر اقتصادی و تجاری و ابزار امنیتی و نظامی بود. جریان کالاها و درآمد مالیاتی از یک سو و استقرار نیروهای وفادار و فرمانداران مورد اعتماد از سوی دیگر، نشان می‌دهد که این کریدورها نقطه‌ای حیاتی برای همگرایی اقتصاد، امنیت و اقتدار سیاسی بودند. بدون کنترل این مسیره‌ها، نه تنها جریان تجارت مختل می‌شد، بلکه امکان نفوذ بیگانگان و بروز شورش‌ها در مناطق مرزی نیز افزایش می‌یافت. بنابراین، حفظ و بهره‌برداری از کریدور شمال‌غرب، ستونی راهبردی برای حکومت زندیه به شمار می‌رفت و نقش آن در تثبیت قدرت کریم‌خان و تقویت دولت مرکزی غیرقابل انکار بود.

در گیری‌های زندیه با عثمانی در مرزهای شمال‌غرب

با استقرار حکومت کریم‌خان زند، یکی از مهم‌ترین چالش‌های خارجی، منازعات با امپراتوری عثمانی در مرزهای شمال‌غرب ایران بود. عثمانی‌ها با آگاهی از ضعف سیاسی ایران پس از مرگ نادرشاه، تلاش می‌کردند نفوذ خود را در مناطق مرزی، به ویژه آذربایجان و ارزروم، گسترش دهند و از بی‌ثباتی داخلی ایران بهره‌برداری کنند.

کریم‌خان برخلاف نادرشاه، به دنبال فتوحات گسترده نبود، اما حفظ تمامیت ارضی و امنیت مسیره‌های شمال‌غرب را به عنوان یک ضرورت می‌دید. برای این منظور، سپاهیان خود را در شهرهای راهبردی تبریز، خوی و جلفا مستقر کرد تا هم از پیشروی عثمانی جلوگیری شود و هم مسیره‌های حیاتی تجارت شمال‌غرب تحت حفاظت قرار گیرند.

این استقرار نظامی چند هدف مهم را دنبال می‌کرد: جلوگیری از پیشروی عثمانی و تثبیت مرزها، تا امنیت سیاسی و تمامیت ارضی ایران حفظ شود.

حفظ امنیت مسیره‌های تجاری شمال‌غرب، که شاهراه مبادلات اقتصادی با قفقاز و عثمانی محسوب می‌شد و استمرار جریان کالا برای اقتصاد منطقه حیاتی بود.

تقویت اقتدار حکومت زندیه در مناطق مرزی و کاهش نفوذ خان‌ها و فرمانداران محلی، که ممکن بود به عثمانی تمایل نشان دهند و منافع مرکزی را تهدید کنند. سیاست دفاعی کریم‌خان، نمونه‌ای از توازن دقیق میان امنیت و اقتصاد بود؛ مسیره‌های تجاری و کریدورهای شمال‌غرب نه تنها برای رونق اقتصادی اهمیت داشتند، بلکه به عنوان ابزاری برای تثبیت اقتدار سیاسی و

مدیریت مرزها نیز عمل می‌کردند.

به این ترتیب، تعامل میان استقرار نظامی، کنترل مسیره‌ها و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، نشان می‌دهد که حکومت زندیه تلاش می‌کرد اقتصاد، امنیت و اقتدار سیاسی را به طور همزمان تقویت کند. مسیره‌های شمال‌غرب، به ویژه تبریز، ارومیه و جلفا، در این چارچوب به ستون‌های حیاتی کریدور شمال‌غرب ایران تبدیل شدند، که هم جریان کالا را تضمین می‌کردند و هم مانع نفوذ بیگانگان و شورش‌های محلی می‌شدند.

نقش تبریز در تثبیت اقتدار حکومت زندیه

شهر تبریز، با موقعیت راهبردی خود در شمال‌غرب ایران، نقش حیاتی و چندوجهی در سیاست نظامی، امنیتی و اقتصادی حکومت زندیه ایفا می‌کرد. این شهر، هم به عنوان خط مقدم دفاعی در برابر تهدیدات عثمانی عمل می‌کرد و هم پایگاهی برای کنترل ایالات پیرامونی مانند ارومیه، مراغه و اردبیل به شمار می‌رفت.

کریم‌خان زند، با درک اهمیت استراتژیک تبریز، اقدام به انتخاب و انتصاب سرداران وفادار در این شهر نمود. این سیاست چند هدف کلیدی داشت:

تثبیت امنیت منطقه و جلوگیری از پیشروی نیروهای عثمانی یا دیگر تهدیدهای خارجی.

کنترل شورش‌های محلی و جنبش‌های تجزیه‌طلبانه خان‌ها که ممکن بود به تضعیف اقتدار مرکزی منجر شوند.

مدیریت بهینه مسیره‌های تجاری و نظامی شمال‌غرب و اطمینان از جریان کالا و خدمات در کریدورهای حیاتی شمال‌غرب.

اما اهمیت تبریز تنها به بعد نظامی محدود نمی‌شد. این شهر با بازار فعال و شبکه‌های تجاری گسترده خود، نقش کلیدی در تأمین منابع مالی و لجستیکی حکومت زندیه داشت. درآمد حاصل از مالیات و عوارض گمرکی، منابع لازم برای استقرار نیروهای وفادار، نگهداری مسیره‌های تجاری و حمایت از فرمانداران محلی را فراهم می‌کرد و به تثبیت قدرت مرکزی کمک می‌نمود.

به این ترتیب، تبریز در ساختار حکومتی زندیه، نقشی دوگانه و راهبردی ایفا می‌کرد: از یک سو، پایگاه دفاعی و نظامی برای محافظت از مرزها و کنترل مناطق شمال‌غرب بود و از سوی دیگر، مرکز اقتصادی و تجاری که جریان منابع مالی و کالاهای حیاتی را تضمین می‌کرد.

این تلفیق امنیت و اقتصاد، به حکومت زندیه امکان می‌داد تا همزمان اقتدار سیاسی خود را تثبیت کند و از رونق مسیره‌های تجاری شمال‌غرب حمایت نماید. تبریز، به عنوان هسته شمال‌غرب ایران، نمادی از همراهی راهبرد اقتصادی و امنیتی در ساختار حکومتی کریم‌خان زند بود و به شکلی تعیین‌کننده در حفظ ثبات و تجاری که جریان منابع مالی و کالاهای حیاتی را تضمین می‌کرد.

تهدیدات امنیتی قفقاز و تأثیر آن بر کریدور شمال‌غرب ایران

در دوره زندیه، کریدور شمال‌غرب ایران، علاوه بر اهمیت اقتصادی و تجاری، همواره در معرض ناامنی‌ها و تحركات منطقه‌ای قفقاز قرار داشت. این تهدیدات ناشی از چند عامل بود: شورش‌های گرجیان و طوایف قزلباش، نزاع‌های محلی و مداخلات روسیه تزاری در شمال قفقاز و گرجستان، که همگی می‌توانستند جریان کالا و ارتباطات تجاری میان تبریز و شمال‌غرب را به‌طور مستقیم مختل کنند. این شرایط موجب می‌شد بازرگانان برای انتقال کالاهای خود به مسیره‌های طولانی‌تر و پرخطر روی آوردند، هزینه‌ها و زمان تجارت افزایش یابد و گاه دسترسی به بازارهای خارجی مانند قلیس یا دیگر مراکز تجاری قفقاز محدود شود.

با وجود تمرکز حکومت زندیه در شیراز، کریم‌خان مجبور بود به‌صورت مقطعی و محدود نسبت به این تهدیدات واکنش نشان دهد. او با اعزام نمایندگان و فرمانداران وفادار، نظارت بر کاروان‌های تجاری و ایجاد نقاط پاسگاهی در مسیره‌های حساس تلاش می‌کرد امنیت مسیره‌ها و جریان کالا را حفظ کند. این اقدامات نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک کریدور شمال‌غرب برای اقتصاد و اقتدار سیاسی ایران بود؛ چرا که ثبات مسیره‌های تجاری شمال‌غرب به طور مستقیم با درآمد حکومت و رونق بازار تبریز و سایر شهرهای منطقه مرتبط بود.

با این حال، محدودیت منابع نظامی و عدم تمرکز کامل بر مناطق دورافتاده قفقاز، به وضوح محدودیت‌های حکمرانی زندیه را نشان می‌داد. نبود توان کافی برای نظارت دائم، گاهی موجب ناامنی‌های موقت در مسیره‌ها و تهدید جریان کالاها می‌شد و خطر کاهش درآمد مالیاتی و اختلال در اقتصاد محلی را به همراه داشت. این واقعیت بیانگر وابستگی شدید کریدورهای اقتصادی به ثبات سیاسی، امنیت محلی و همکاری با فرمانداران و نیروهای وفادار بود.

علاوه بر این، تهدیدات قفقاز اثر مستقیم بر ابعاد نظامی و امنیتی حکومت زندیه نیز داشت. مسیره‌های شمال‌غرب نه تنها شاهراه تجارت، بلکه ستون‌های

دفاعی و مسیره‌های لجستیکی برای سپاهیان کریم‌خان بودند. هرگونه ناامنی یا شورش در قفقاز می‌توانست اقتدار حکومت مرکزی، کنترل مرزها و ثبات سیاسی مناطق شمال‌غرب را به خطر اندازد. بنابراین، حفظ امنیت مسیره‌ها و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، ترکیبی از اقدامات نظامی، سیاست محلی و مداخلات دیپلماتیک را می‌طلبید، که نشان‌دهنده پیچیدگی تعامل میان اقتصاد، امنیت و قدرت سیاسی در دوره زندیه بود. در نهایت، می‌توان گفت که کریدور شمال‌غرب ایران در دوره زندیه نه تنها یک مسیر اقتصادی حیاتی، بلکه محور حساس نظامی و سیاسی بود. جریان کالا، درآمدهای مالیاتی، ثبات بازارها و اقتدار حکومت زندیه به‌طور مستقیم به امنیت و مدیریت این مسیره‌ها وابسته بود و هرگونه ناامنی در قفقاز، هم اقتصاد و هم سیاست حکومت مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌داد.

تعامل اقتصاد و امنیت

در کریدور شمال‌غرب ایران

در تحلیل تاریخ اقتصادی و سیاسی ایران دوره زندیه، رابطه میان اقتصاد و امنیت در مناطق حساس، به‌ویژه شمال‌غرب، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. مسیرهای تجاری، بازارها و کریدورهای حیاتی، مانند تبریز – قلیس و تبریز – ارزروم، تنها زمانی می‌توانستند به رونق برسند که امنیت مسیره‌ها و شهرها تأمین شده باشد. هرگونه شورش محلی، حملات عثمانی یا ناامنی‌های ناشی از تحركات قفقاز، جریان کالا را مختل می‌کرد، هزینه‌های تجاری را افزایش می‌داد و گاهی مسیره‌ها را برای مدتی مسدود می‌ساخت.

از سوی دیگر، حکومت زندیه برای تأمین نیروهای نظامی، ایجاد پاسگاه‌ها و محافظت از مسیره‌ها و بازارهای کلیدی، نیازمند منابع مالی حاصل از تجارت و عوارض گمرکی بود. بدون رونق اقتصادی و درآمدهای حاصل از مسیره‌های شمال‌غرب، توان نظامی برای حفاظت از مرزها محدود می‌شد و کنترل بر مسیره‌های حیاتی با دشواری مواجه می‌گشت. این وابستگی دوطرفه نشان می‌دهد که اقتصاد و امنیت، در عمل، به صورت یک چرخه تعامل‌پذیر و ملزوم یکدیگر عمل می‌کنند؛ امنیت لازم است تا تجارت جریان یابد، و منابع اقتصادی لازم است تا امنیت برقرار شود.

با این حال، شرایط ویژه دوره زندیه، به ویژه تمرکز حکومت در شیراز و دوری از شمال‌غرب، نشان می‌دهد که این تعامل کاملاً مطلق نبود. امنیت مسیره‌ها تنها با کنترل محدود و اقدامات مقطعی برقرار می‌شد، در حالی که جریان اقتصادی، حتی در برخی موارد، به‌طور نسبی فعال باقی می‌ماند. این واقعیت بیانگر استقلال نسبی کوتاه‌مدت اقتصاد از امنیت و پیچیدگی مدیریت مناطق دورافتاده در ساختار حکومت زندیه است.

در نهایت، می‌توان گفت که در چارچوب کریدور شمال‌غرب، اقتصاد و امنیت نه کاملاً موازی و نه کاملاً وابسته به یکدیگر هستند؛ بلکه رابطه‌ای تعاملی، دینامیک و وابسته به شرایط سیاسی و منابع موجود دارند. امنیت بدون منابع اقتصادی و درآمدهای تجاری ممکن است موقتاً برقرار شود، اما بدون اقتصاد، استمرار آن و تثبیت اقتدار حکومت مرکزی غیرممکن خواهد بود. به همین دلیل، سیاست‌های کریم‌خان زند همواره بر حفظ توازن میان رونق تجاری و امنیت مسیره‌ها متمرکز بود و نشان می‌دهد که درک عمیق او از اهمیت اقتصادی و سیاسی کریدور شمال‌غرب، عامل اصلی موفقیت نسبی حکومت زندیه در این منطقه بوده است.

جغرافیای راه‌ها و گره‌های استراتژیک کریدور شمال‌غرب

تحلیل کریدور شمال‌غرب ایران در دوره زندیه، بدون در نظر گرفتن جغرافیای راه‌ها و نقاط گره‌ای استراتژیک، ناقص خواهد بود. این مسیره‌ها نه تنها شاهراه‌های اقتصادی برای جریان کالا و تجارت بودند، بلکه به عنوان محورهای نظامی و امنیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات منطقه داشتند.

مسیر تبریز – ارزروم

یکی از مهم‌ترین مسیره‌های شمال‌غرب، مسیر تبریز – ارزروم بود که ایران را به بازارهای عثمانی و دریای سیاه متصل می‌کرد. از طریق این شاهراه، کالاهای ایرانی مانند فرش، ابریشم، ادویه و محصولات کشاورزی به عثمانی صادر می‌شدند. این مسیر، هم برای رونق اقتصادی تبریز و بازارهای شمال‌غرب حیاتی بود و هم به‌عنوان ستون دفاعی و مسیر لجستیکی برای نیروهای نظامی عمل می‌کرد.

گلوگاه‌های مهم این مسیر شامل بازارهای تبریز، مراغه و خوی بود. کنترل این نقاط، برای تضمین جریان کالا و امنیت مسیره‌ها ضرورت داشت؛ زیرا هرگونه اختلال در یکی از این گره‌ها می‌توانست کل مسیر را با رکود یا تأخیر مواجه کند. حکومت زندیه، با گام‌ردن فرمانداران و سرداران وفادار، تلاش می‌کرد این گلوگاه‌ها را تحت نظارت مستقیم نگه دارد و همزمان با ایجاد ثبات، از بروز شورش یا نفوذ بیگانگان جلوگیری کند.

ادامه دارد...

مدیر کل راه و شهرسازی استان:

بافت‌های فرسوده در ۲۱ شهر آذربایجان غربی نوسازی می شوند

طرح نو: گروه خبر
مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی گفت: با اجرای طرح های بازآفرینی بافت های فرسوده در ۲۱ شهر استان نوسازی می شود.
پیمان آرامون ظهر شنبه در جلسه ستاد بازآفرینی شهری استان افزود: با اجرای طرح های بازآفرینی شهری در ۲۱ شهر آذربایجان غربی، روند نوسازی مسکن بافت های فرسوده شتاب گرفته، اقدامی که علاوه بر ارتقای ایمنی و کیفیت زندگی شهروندان، سیمای شهری استان را دگرگون کرده و زمینه ساز جذب سرمایه گذاری و افزایش امید اجتماعی شده است.
وی با بیان اینکه در حال حاضر ۱۰ هزار ۶۲۲ پروانه فعالیت نوسازی، در سطح شهرستان های آذربایجان غربی صادر شده است، ادامه داد: ۲۰ هزار و ۸۸ واحد در قالب این تعداد پروانه صادره، نوسازی شده و در مراحل مختلف احداث هستند.
مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی گفت: ارتقای ایمنی ساختمانها، بهبود کیفیت ساخت وساز، افزایش زیبایی شهری و کاهش آسیب پذیری مناطق فرسوده از اهمیت اجرای طرح نوسازی بافت های



فرسوده در سطح استان است. آرامون با اشاره به تهیه برنامه اقدام مشترک بازآفرینی شهری در استان، گفت: ۶۴۳ طرح برای اجرای این برنامه در سطح استان در ۸ شهر ارومیه، بوکان، پیرانشهر، خوی، سردشت، سلماس، مهاباد و میاندوآب تهیه شده است. وی بیان کرد: ارزش ریالی این تعداد طرح ۶۲ هزار و ۵۳۳ میلیارد ریال بوده که شامل طرح های

روبنایی، زیربنایی و توانمندسازی در محلات هدف بازآفرینی شهری آذربایجان غربی است.
مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی افزود: طرح برنامه اقدام مشترک موجب ارتقای سطح زندگی ساکنین، افزایش سرانه های اجتماعی و شهروندی، ایجاد حس تعلق و افزایش مشارکت مردمی در محدوده های هدف بازآفرینی شهری آذربایجان غربی می شود.
آرامون تاکید کرد: با هدف تأمین زیرساخت ها و کاهش مشکلات محیطی در محلات و محدوده های ناکارآمد شهری ۵ محله فاقد شبکه فاضلاب در شهرهای ارومیه، خوی، سلماس و قره ضیاءالدین شناسایی شده و اقدامات لازم برای تأمین خدمات زیربنایی لازم این محلات در دست اقدام است.
در این جلسه مقرر شد تا جلسات ستاد بازآفرینی شهری در سطح شهرستان های آذربایجان غربی به صورت منظم برگزار و اقدامات لازم رصد شود تا مشکلی از بابت توسعه محلات هدف بازآفرینی شهری وجود نداشته باشد و در این راستا شهرداری ها بیش از پیش همکاری لازم را باید داشته باشند.



طرح نو: گروه خبر
با پیگیری استاندار آذربایجان غربی و دبیر کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه پس از گذشت ۴ سال، اعتبارات جدید به مبلغ ۸ هزار میلیارد ریال برای احیاء دریاچه ارومیه اختصاص یافت.

سعید عیسی پور، مدیر تفریح و برنامه ریزی ستاد احیاء دریاچه ارومیه در گفتگو با خبرنگار ما گفت: با تزریق اعتبارات جدید توسط هیئت وزیران، امکان اجرای تعدادی از طرح های مصوب شده در کمیته علمی کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه فراهم شد.

وی افزود: با تأمین شدن اعتبارات اجرای طرح های مهمی نظیر طرح لایروبی رودخانه های منتهی به دریاچه ارومیه به منظور تسهیل در انتقال آب به پیکره آبی دریاچه ارومیه، تکمیل تصفیه خانه فاضلاب تبریز و خط انتقال پساب تصفیه شده به منظور انتقال به دریاچه ارومیه، تکمیل سردهنه انهار سنتی منشعب از رودخانه ها برای جلوگیری از برداشت غیرمجاز آب از رودخانه ها در فصول غیرزراعی، طرح تثبیت کانون های بحرانی گرد و غبار نمکی محیط پیرامون دریاچه ارومیه و چند طرح دیگر در مرحله اول اجرای طرح احیاء دریاچه ارومیه تأمین اعتبار شده و اختصاص اعتبار برای سایر طرح نیز در دستور کار قرار دارد.

عیسی پور خاطر نشان کرد: پیگیری تأمین اعتبار طرح های احیاء دریاچه ارومیه بصورت جدی توسط دبیر کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه در حال انجام هست و دولت چهاردهم با اولویت بالا احیاء دریاچه ارومیه را در دستور کار دارد.

مدیر کل کتابخانه های عمومی آذربایجان غربی :

کتابخانه ها نقش آفرین فرهنگی و اجتماعی هستند



طرح نو: گروه خبر
مدیرکل کتابخانه های عمومی آذربایجان غربی گفت: کتابخانه ها تنها محل نگهداری و امانت کتاب نیستند، بلکه به مراکز پویا و اثرگذار فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده اند.
مدیرکل کتابخانه های عمومی آذربایجان غربی به مناسبت فرارسیدن سی و سومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، در گفتگو با خبرنگاران از اجرای بیش از ۵۰۰ برنامه فرهنگی و ترویجی در استان در هفته کتاب و کتابخوانی خبر داد و گفت: افتتاح دومین کتابخانه عمومی سیار استان در ارومیه، آیین گرامیداشت هفته کتاب، برگزاری رویداد «کتابستان مدرسه» در تمامی شهرستانها، برگزاری رویداد «کتاب برای همه» در میادین پرتردد شهرها، عضویت رایگان سراسری، طرح ویژه «قاصدان کتاب» برای مناطق دوردست و اهدای کتاب از جمله این برنامه ها است.
خدیجه معصومی برگزاری آیین گرامی داشت سی و سومین هفته کتاب، رونمایی از سه کتاب تفریحی مقام معظم رهبری همزمان با سراسر کشور، اجرای رویداد «کتاب دیجیتال مدرسه» با مشارکت آموزش و پرورش در تمامی شهرستانها و همچنین «رویداد کتاب برای همه» با هدف معرفی کتاب برای عموم جامعه بویژه برای افرادی که آشنایی چندانی با کتابخانه ندارند، و همچنین راه اندازی «رادویو کتاب» در میدان انقلاب ارومیه با هدف

ملی به نفعات برتر کتابخانه ها در نظر گرفته است که این جایزه به کتابخانه هایی که در امر ترویج فرهنگ کتابخوانی فعال هستند اعطا می شود که از جمله آنها کتابخانه مرکزی ارومیه و آیت الله کاشانی ماکو است.
مدیرکل کتابخانه های عمومی آذربایجان غربی به رویکرد جدید کتابخانه های عمومی استان اشاره کرد و گفت: در این رویکرد هسته سنتی کتابخانه بازآفرینی شده و فضای جدیدی برای یادگیری دائمی در کنار دانشگاه فراهم می شود.

وی ادامه داد: همچنین بازطراحی فضای فیزیکی کتابخانه ها نیز در دستور کار است و به منظور کارآمد کردن خدمات کتابخانه ها این کار انجام می گیرد.
معصومی به بخش ویژه خلاقیت نوجوانان اشاره کرد و گفت: تلاش بر این است تا فضا براساس فن آوری های نوین برای نوجوانان طراحی شود.
وی تحول فناوریانه و دیجیتال را از دیگر رویکردهای کتابخانه های عمومی استان عنوان کرد و گفت: بر اساس این رویکرد، امکان عضویت آنلاین برای افراد در هر نقطه ای که باشند فراهم می شود؛ همچنین افراد ثبت نام کننده می توانند کارت عضویت مجازی دریافت کنند.
در استان آذربایجان غربی ۶۷ هزار نفر عضو فعال ۷۷ باب کتابخانه عمومی، ۲۵ کتابخانه مشارکتی و مستقل و ۹ باب سالن مطالعه خودگردان است.
باشگاه خبرنگاران جوان

مفقودی	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری تاکسی پیکان مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۱۵-۲۵۴-۲۵۶ شماره موتور ۱۱۱۵۸۲۵۱۱۴ و شماره شاسی ۸۲۴۷۰۳۱۸ بنام آقای حسین سعادت اقدم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو
کارت خودرو - سواری سایننا SAINA SMT مدل ۱۴۰۴ به شماره پلاک ۹۶ و ۳۳۳۳ بران ۱۵ به شماره موتور M1۵۵۴۸۴۶۴۰ و شماره شاسی NAS۸۵۱۱۰۰۵۵۸۱۵۶۸۷ به مالکیت خانم نگین مؤذنی حبشی با کد ملی ۲۷۲۲۰۶۴۵۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو
کارت خودرو - سواری سایننا SAINA SMT مدل ۱۴۰۴ به شماره پلاک ۹۶ و ۳۳۳۳ بران ۱۵ به شماره موتور M1۵۵۴۸۴۶۴۰ و شماره شاسی NAS۸۵۱۱۰۰۵۵۸۱۵۶۸۷ به مالکیت خانم نگین مؤذنی حبشی با کد ملی ۲۷۲۲۰۶۴۵۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو
کارت خودرو - سواری تیبیا تیپ ۱ مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۸۲ و ۱۴۲۹ بران ۱۵ به شماره موتور ۸۱۶۹۵۰۱ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰۵۵۸۰۰۱۸۱ به مالکیت آقای وحید رمضان بهتاش با کد ملی ۱۳۷۸۴۴۷۴۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو
کارت خودرو - سواری تیبیا تیپ ۱ مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۸۲ و ۱۴۲۹ بران ۱۵ به شماره موتور ۸۱۶۹۵۰۱ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰۵۵۸۰۰۱۸۱ به مالکیت آقای وحید رمضان بهتاش با کد ملی ۱۳۷۸۴۴۷۴۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو
کارت خودرو - سواری تیبیا تیپ ۱ مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۸۲ و ۱۴۲۹ بران ۱۵ به شماره موتور ۸۱۶۹۵۰۱ و شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰۵۵۸۰۰۱۸۱ به مالکیت آقای وحید رمضان بهتاش با کد ملی ۱۳۷۸۴۴۷۴۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	روزنامه طرح نو

یادداشت

مرگ آرام پیاده‌روها در سکوت



طرح نو، ابراهیم سلیمی

پیاده‌روها در ذات خود تجلی «حق همگانی بر فضا» است؛ مکانی که همه در کنار هم، فارغ از وسیله نقلیه، حضور دارند. وقتی دوچرخه‌ها و موتورهای این فضا را اشغال میکنند، در واقع نمادی از تصرف فضاهای عمومی توسط منافع فردی شکل می‌گیرد. نظریه «حق به شهر» که هانری لوفور در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد، یادآور میشود که شهر تنها خیابان و ساختمان نیست، بلکه میدان کنش شهروندان است؛ جایی که انسانها باید بتوانند در آن زیست کنند، تصمیم بگیرند و حضور معنادار داشته باشند.

در شهرهای امروزی، فضا به نفع سرعت مصادره شده است. راکب موتورسیکلت، که اغلب قربانی نظام اقتصادی ناخادالانه و شغل‌های ناپایدار است، برای رساندن بسته یا رسیدن به مقصد، ناچار از شکستن قانون میشود. این عمل فردی، در مقیاس جمعی، به تولید فضایی نابرابر میانجامد: عابری که میخواهد آزادانه قدم بزند، باید کنار برود؛ مادری که دست کودک خود را گرفته، باید برسد؛ و پیاده‌راهی که باید نماد حیات مدنی باشد، تبدیل به گذرگاهی خطرناک میشود. از منظر جامعه‌شناسی شهری، بحران موتورسیکلت‌ها در شهرها صرفاً مسأله‌های فنی یا ترافیکی نیست؛ بلکه بحران «حق شهروندی» در فضاهای عمومی است. وقتی قانون حضور موتورسوار در پیاده‌راه را نادیده میگیرد، در واقع حق عابران برای استفاده امن از فضا را سلب کرده است.

در چنین شرایطی، شهروندان به‌تدریج به بینظمی خو می‌گیرند. تخلفهای کوچک به رفتار عادی بدل میشوند و «حق به بینظمی» جای «حق به شهر» را می‌گیرد. این روند نه فقط نظم فیزیکی، بلکه نظم اخلاقی شهر را هم فرسوده می‌کند. شهری که در آن مردم از پیاده‌روی می‌ترسند، شهری است که سرمایه اجتماعی‌اش در حال فروپاشی است.

مادر و کودکی که از ترس موتورسواران، حق معمول راه رفتن را از دست داده‌اند، نماد همین فروپاشیاند. کاهش ایمنی، ایجاد ناهنجاری و رواج «حق به بینظمی» در برابر «حق به شهر»، هنگامی تشدید می‌شود که نهادهای مدیریت شهری، بویژه شهرداری، مسئولیت قانونی خود را در حفاظت از فضاهای عمومی جدی نمی‌گیرند. شهرداری باید نقش فعال‌تری در حفظ، بازآفرینی و ارتقای کیفیت پیاده‌راه‌ها ایفا کند. یکی از مهمترین ابعاد این تحلیل، غفلت از برنامه‌های آموزشی مؤثر است.

* مسئول شهرسازی منطقه ۲ مراغه

در دیدار شهردار تبریز با سفیر بلاروس در ایران مطرح شد:

آمادگی کشور بلاروس برای تامین اتوبوس و ماشین آلات خدمات شهری شهرداری‌های ایران



تعیین گردد. کالتسوف با اشاره به نقش تبریز در مناسبات اقتصادی ایران گفت: تبریز جایگاه مهمی در حمل‌ونقل و تجارت دارد. به طوری که وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: بلاروس علاقه‌مند به واردات محصولات کشاورزی از ایران و به‌ویژه تبریز است و همچنین تولیدکنندگان تبریزی می‌توانند محصولات غذایی شامل شیرینی جات خود را به این کشور صادر کنند. همکاری اقتصادی میان دو کشور یک مسیر دوطرفه و سودمند برای طرفین است.

همچنین یعقوب هوشیار شهردار تبریز نیز در این دیدار گفت: تبریز دارای تاریخی با قدمت در عرصه‌های بین‌المللی تاثیر گذار است؛ سومین شهر بزرگ ایران با دو میلیون نفر جمعیت است که خوشبختانه نرخ بیکاری پایینی دارد.

وی یادآور شد: تبریز در چند مقطع تاریخی پایتخت و در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تاثیرگذار بوده است.

شهردار تبریز با بیان اینکه دومین شاخص تبریز فرهنگ آن است، گفت: تبریز پایتخت فرهنگی و معنوی شهرهای ایران است. مشاهیر تبریز زبازند خاص و عام هستند؛ برای نمونه در مقبره الشعرا ۴۰۰ شاعر و عارف مدفون است.

وی ادامه داد: هدف این است که اتوبوس‌ها در تبریز مونتاژ شوند تا اشتغال و توسعه

طرح نو؛ گروه شهری سفیر بلاروس در ایران در دیدار با شهردار تبریز بر گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، تقویت مناسبات اقتصادی، تجاری و همکاری در حوزه حمل‌ونقل میان تبریز و شهرهای بلاروس تاکید کرد.

دیمیتری کالتسوف، سفیر بلاروس در ایران در دیدار با یعقوب هوشیار شهردار تبریز و غلامرضا احمدی رئیس شورای اسلامی شهر تبریز با ابراز علاقه به سفر به تبریز گفت:

مناسبات میان ایران و بلاروس بسیار پویاست و امید داریم توسعه یابد و اکنون موضوع همکاری میان تمام شهرهای ایران و بلاروس در دستور کار است.

وی با اشاره به اهمیت گسترش همکاری‌های بین‌منطقه‌ای اظهار داشت: توسعه همکاری میان شهرهای دو کشور بسیار مهم است و باید با جدیت دنبال شود.

سفیر بلاروس در ایران خاطرنشان کرد: شهرداری ماگیلف برنامه‌ای برای بازدید از تبریز داشت که محقق نشد، اما این سفر در برنامه‌ریزی آینده قرار دارد.

دیمیتری کالتسوف افزود: سفر هیاتی از شهرداری ماگیلف به تبریز در دستور کار قرار دارد و برای تسریع آن، پیشنهاد شده طی سه تا چهار هفته آینده جلسه‌ای مجازی میان شهرداری تبریز و شهرداری ماگیلف برگزار شود تا زمان سفر و محورهای اصلی همکاری

تعیین گردد. کالتسوف با اشاره به نقش تبریز در مناسبات اقتصادی ایران گفت: تبریز جایگاه مهمی در حمل‌ونقل و تجارت دارد. به طوری که وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت: بلاروس علاقه‌مند به واردات محصولات کشاورزی از ایران و به‌ویژه تبریز است و همچنین تولیدکنندگان تبریزی می‌توانند محصولات غذایی شامل شیرینی جات خود را به این کشور صادر کنند. همکاری اقتصادی میان دو کشور یک مسیر دوطرفه و سودمند برای طرفین است.

همچنین یعقوب هوشیار شهردار تبریز نیز در این دیدار گفت: تبریز دارای تاریخی با قدمت در عرصه‌های بین‌المللی تاثیر گذار است؛ سومین شهر بزرگ ایران با دو میلیون نفر جمعیت است که خوشبختانه نرخ بیکاری پایینی دارد.

وی یادآور شد: تبریز در چند مقطع تاریخی پایتخت و در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تاثیرگذار بوده است.

شهردار تبریز با بیان اینکه دومین شاخص تبریز فرهنگ آن است، گفت: تبریز پایتخت فرهنگی و معنوی شهرهای ایران است. مشاهیر تبریز زبازند خاص و عام هستند؛ برای نمونه در مقبره الشعرا ۴۰۰ شاعر و عارف مدفون است.

وی ادامه داد: هدف این است که اتوبوس‌ها در تبریز مونتاژ شوند تا اشتغال و توسعه

مسجد کبود؛ شکوه فیروزه‌های ایران در عصر "قره‌قویونلوها"

فلسفه‌ای که در آن هیچ خط و رنگی تصادفی نیست و همه چیز در مسیر شناخت نظم مقدس آفریدگار شکل می‌گیرد. از این رو مسجد کبود را می‌توان تلاقی هنر و عرفان دانست؛ تجسم مادی اندیشه‌ای که در مدرسه‌ی هنری تبریز به اوج رسید.

امروزه مسجد کبود تبریز در فهرست میراث ملی ایران ثبت شده و در انتظار قرار گرفتن در فهرست جهانی یونسکو است. پژوهشگران غربی و ایرانی، از جمله «آرتور پوپ» و «انوشیروان عدل»، بارها بر ویژگی‌های منحصر به فرد این بنا تاکید کرده‌اند. پوپ در آثارش، مسجد کبود را یکی از سه شاهکار معماری ایرانی در عصر میانه معرفی می‌کند که با مسجد گوهرشاد مشهد و مدرسه مرتضیه اصفهان قابل سنجش است.

علاوه بر جلوه معماری، مسجد کبود سند تاریخی مهمی از تعامل فرهنگ‌ها است: ترکیب هنر ایرانی، حامی ترکمان و خط عربی در یک اثر واحد، تصویری زنده از تنوع و وحدت فرهنگی در ایران قرن نهم هجری را به نمایش می‌گذارد.

فیروزه‌های که از دل خاک برخاست

مسجد کبود تبریز، یادگاری از عصر قره‌قویونلوها، نه فقط یک بنا بلکه بیانی از تاریخ دوام ملت ایران است. بنایی که زاده‌ی ایمان یک پادشاه و دست‌های هنرمند معماران ایرانی بود، در برابر زلزله‌ها، جنگ‌ها و فراموشی ایستاد و همچنان چون نگینی فیروزه‌ای در قلب تبریز می‌درخشد.

امروز، وقتی خورشید بر گنبد آبی آن می‌تابد و انعکاس نور بر کاشی‌های لاجوردی پخش می‌شود، انسان درمی‌یابد که فرهنگ ایرانی، ریشه‌ای عمیق‌تر از سیاست و قدرت دارد؛ ریشه‌ای که در هنر و ایمان تجلی می‌یابد و بهتر از هر دیوار گنبدی، روایتگر پیوستگی تاریخ ماست. مسجد کبود، به‌درستی یادگار حکومت قره‌قویونلوهاست بر بستر فرهنگ ایرانی؛ بنایی که نشان می‌دهد قدرت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما فرهنگ ایرانی جاودانه می‌ماند؛ حتی اگر رنگش، رنگ فیروزه باشد.

مسجد کبود که بنا با وجود آسیب‌های شدید، شالوده‌اش را حفظ کند و یکی از معدود آثار برجای‌مانده‌ی عصر قراقویونلو باشد. امروز مسجد کبود نه فقط به‌عنوان یک اثر مذهبی، بلکه نمادی از پایداری فرهنگی و فنی ایرانیان در برابر زمان و آشوب‌های تاریخی محسوب می‌شود.

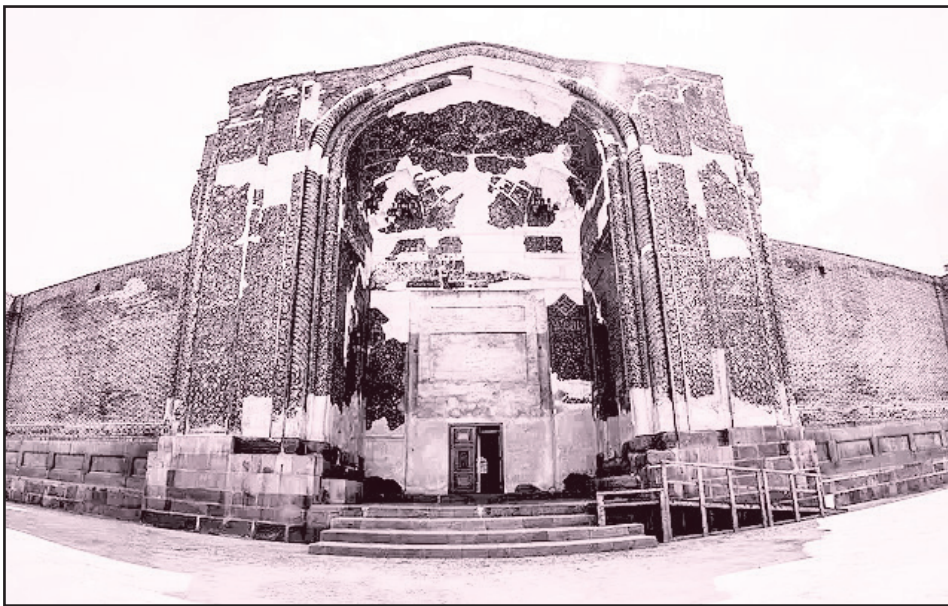
ترکمانان حکومت‌کننده و ایرانیان فرهنگ‌ساز

قره‌قویونلوها اگرچه از لحاظ قومی ترکمان و از شرق دور به سرزمین‌های ایرانی کوچ کرده بودند، اما در زمان حکومت بر ایران، با فرهنگ ایرانی و زبان فارسی پیوندی ژرف یافتند. بسیاری از اشعار جهان‌شاه، حاکم آن دوران، به زبان فارسی سروده شده و در دیوان او روحی ایرانی موج می‌زند. مسجد کبود نیز در همین چارچوب، نماد پیوند اداری و سیاسی ترکمانان با روح هنری ایرانیان شد.

در واقع، ساخت این مسجد نشانه‌ای است از اینکه حتی در دوران حکومت‌هایی با ریشه‌های غیرایرانی، هنر ایرانی چنان نیرومند و نفوذگر بود که قالب‌های قومی را درمی‌نوردید و چهره ایرانی شهرها را حفظ می‌کرد. این نکته، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تمدنی ایران در سده‌های میانه است؛ دوره‌ای که مرزهای قومی در سایه هنر، علم و ایمان کمرنگ شد.

مسجد کبود؛ گفت‌وگویی میان رنگ، هندسه و ایمان

هنگام ورود به صحن مسجد کبود، نخستین حسی که در انسان برمی‌خیزد، سکوت و نجابت رنگ آبی است. رنگی که در فرهنگ ایرانی، نماد آرامش، ژرفا و پیوند با آسمان است. دیوارها و طاق‌ها با نقش‌های هندسی تودرتو پوشیده شده‌اند که در آن، تکرار، تقارن و تزئین نه برای تجمل بلکه برای بیان وحدت و نظم الهی به کار رفته است. نقوش اسلیمی و ختایی در کاشی‌کاری‌ها، گویای درک عمیق هنرمندان از فلسفه زیبایی‌شناسی ایرانی است؛



آن به اوج ناب خود رسیده است. او معتقد بود که ترکیب کاشی و آجر در این بنا مشابه هیچ اثر قدیمی دیگری در خاورمیانه نیست و نمونه‌ای منحصر به فرد از زیبایی معماری ایرانی در دل تبریز قره‌قویونلوها به‌شمار می‌رود.

تبریز و تداوم میراث در برابر زلزله و جنگ

تبریز در طول تاریخ بارها لرزیده و بارها سوخته؛ از زلزله‌های ویرانگر تا حملات متوالی عثمانی‌ها و روس‌ها. اما با وجود همه این بلاها، مسجد کبود همچنان پابرجاست؛ هرچند بخش‌هایی از گنبد و ایوان‌های آن در زلزله سال ۱۱۹۳ هجری به شدت آسیب دید و بعدها مرمت و بازسازی علمی شد.

این دوام، نشان‌دهنده قدرت سازه‌ی معماری ایرانی است. در طراحی مسجد کبود، از سیستم باربری سنتی بر پایه قوس‌های پهن و دیوارهای ضخیم استفاده شده که در برابر نیروهای افقی زلزله مقاومت بالایی دارند. همین ویژگی

می‌سازد، تسلط بی‌چون‌وچرای هنر ایرانی بر طراحی آن است. پلان کلی بنا بر اساس الگوی ایرانی - چهارایوانی - و محور تقارن مرکزی شکل گرفته و گنبدی دویوش با مقیاس و هندسه دقیق، وزن کل سازه را بر پایه منطق مهندسی سنتی ایرانی توزیع می‌کند.

تزیینات کاشی‌کاری، مهم‌ترین عنصر زیبایی‌شناسی این مسجد است. رنگ‌های اصلی، فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید و سیاه، در هماهنگی معجزه‌آمیزی فضای درونی را به دریایی از آبی تبدیل کرده‌اند. تا حدی که در منابع غربی از جمله نوشته‌های مادام ژان دیولافو، این بنا با عنوان Mosquée Bleue de Tabriz یا «مسجد آبی تبریز» شناخته شده است.

دیولافو، مهندس راه و ساختمان و باستان‌شناس فرانسوی که در قرن نوزدهم میلادی به ایران سفر کرد، با نگاهی فنی و ظریف به این بنا پرداخت و نوشت: «مسجد آبی تبریز، چون نگینی است آبی بر انگشتر ایران، که هنر شرقی در

طرح نو؛ سردبیر در قلب شهر تاریخی تبریز، مسجدی آرمیده که نه تنها یادگار یک دوران سیاسی خاص بلکه جلوه‌ای شکوهمند از هنر، ایمان و دوام فرهنگ ایرانی است. عمارت مظفریه، معروف به مسجد کبود یا مسجد جهان‌شاه، اثری است که در قرن نهم هجری ساخته شد؛ زمانی که تبریز پایتخت حکومت قره‌قویونلوها بود و در پی دگرگونی‌های سیاسی، هنر ایرانی با رنگ و روح تازه‌ای درخشش یافت. هر آجر مسجد کبود، روایتگر چالش میان قدرت سیاسی ترکمانان و ژرفای ریشه‌های هنری ایرانی است؛ جایی که سیاست و مذهب در خدمت زیبایی قرار گرفتند و از دل آن، یکی از درخشان‌ترین بناهای اسلامی جهان ایرانی زاده شد.

جهان‌شاه و تبریز، پایتخت فرهنگ و قدرت

قره‌قویونلوها که از میان اقوام ترکمان برخاستند، در سده نهم هجری توانستند بخش‌های بزرگی از ایران و منطقه بین‌النهرین را تحت اقتدار خود درآورند. در میان آنان، جهان‌شاه بن قریوسف نه فقط یک حاکم نظامی، بلکه حامی هنر و علم شناخته می‌شود. او تبریز را به پایتختی فرهنگی و مذهبی تبدیل کرد و فرمان ساخت یکی از باشکوه‌ترین بناهای روزگار خود را صادر نمود. مسجد کبود، یادگار همین دوران طلایی است؛ بنایی که اجرای آن به مهارت بالای هنرمندان ایرانی و معماران برجسته‌ای چون «نعمت‌الله بن محمدالبواب» سپرده شد. کتیبه‌های لاجوردی، نقوش هندسی، و کاشی‌های فیروزه‌ای آن گویای ترکیب کم‌نظیر سبک ایرانی است.

در کتیبه سرد مسجد، جمله مشهور به خط کوفی زیبا نوشته شده: «هذا المسجد العالمی، عمارت مظفریه»؛ نامی که از آن پس، مسجد کبود را به «عمارت مظفریه» نیز معروف ساخت و تا امروز بازتاب‌دهنده همزیستی هویت ایرانی و اسلامی است.

آنچه مسجد کبود را از دیگر بناهای اسلامی متمایز